

فرهنگستان علوم
جمهوری اسلامی ایران



خبرنامه، شماره ۳۵، سال دهم ■ تابستان ۱۳۸۹

صاحب امتیاز: فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران

مدیر مسئول: دکتر رضا داوری اردکانی

سرمدیر: دکتر حسن ظهور

مدیر داخلی: میترا معدنی

ویراستار: سیدعلی پزشکی اردکانی

مدیر هنری: سیدایمان نوری نجفی

نشانی: تهران، میدان قدس، خیابان دربند،

کوچه شاهمرادی، پلاک ۷

تهران، میدان ونک، بزرگراه شهید حقانی، خروجی فرهنگستان‌های

جمهوری اسلامی ایران و کتابخانه ملی، فرهنگستان علوم

تلفن: ۲۲۷۱۹۷۳۷ - ۲۲۷۱۳۰۰۳، دورنگار: ۲۲۷۱۹۷۴۲

صندوق پستی: ۱۹۷۳۵/۱۶۷

وب‌گاه: www.ias.ac.ir، رایانامه: khabarnameh@ias.ac.ir

«مسئولیت مطالب به عهده گویندگان و نویسندگان است.»

فهرست

سخن اول

۶

- علم هر جهانی متناسب با نظم آن جهان است
رضا داوری اردکانی

اخبار

۱۳

- انتصاب جدید
- انتشار مجموعه مقالات کارگاه مشترک Towards New Solutions in Managing Environmental Crisis
- انتشار جلد دوم، سوم و چهارم فرهنگ نوین کشاورزی و منابع طبیعی
- شورای همگانی گروه علوم دامپزشکی
- فعالیتهای اتاق فکر دفتر آینده‌نگری علم و فناوری
- تصویب اولویتهای پیشنهادی گروه علوم پایه در ارتباط با نقشه جامع علمی کشور در شورای عالی انقلاب فرهنگی
- میزگرد «بررسی راههای تحقق توسعه علمی کشور»
- دومین میزگرد آینده‌پژوهان کشور «ارتقای فرهنگ آینده‌پژوهی در جامعه»
- تجلیل از برخی اعضای گروه علوم کشاورزی در یازدهمین کنگره انجمن زراعت و اصلاح نباتات
- نود و دومین جلسه مجمع عمومی
- جلسه بحث و گفتگو پیرامون «مسائل مربوط به محیط زیست کشور»
- جلسه بحث و گفتگو پیرامون «جایگاه فرهنگستان علوم در نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور و نقش فرهنگستان در تحقق توسعه علمی کشور»
- نقش ادیان در حفاظت از محیط زیست با تأکید بر دیدگاه اسلام

پیام تسلیت

- انتشار چهل و ششمین شماره فصلنامه آموزش مهندسی ایران (ویژه اخلاق مهندسی)
- سمینارهای آینده
- برگزاری اولین جلسات در ساختمان جدید فرهنگستان علوم
- شورای همگانی گروه علوم مهندسی
- نتایج همایش اثر تغییر اقلیم بر کشاورزی و منابع طبیعی ایران
- چکیده طرح پژوهشی
- «مطالعه اولیه آینده‌نگری صنایع نفت، گاز و پتروشیمی کشور»

اعضاء

۲۹

- «جزر و مد قرمز» در گفتگو با دکتر بابا مخیر
- عضو پیوسته گروه علوم دامپزشکی
- گفتگو با دکتر محمدقلی نادعلیان
- عضو پیوسته و رئیس گروه علوم دامپزشکی
- زندگینامه دکتر ابوالقاسم گرجی
- عضو پیوسته گروه علوم اسلامی

معرفی کتاب

۳۵

- مصادر اجتهاد از منظر فقیهان
- تکثیر و پرورش تاس ماهیان (ماهیان خاویاری)
- مباحث نوین در شیمی معدنی
- دانشنامه زیست فناوری و ژنتیک (دو جلد)

معرفی

۳۹

- انجمن آموزش مهندسی ایران



سخن اول

رضا داوری اردکانی

علم هر جهانی متناسب با نظم آن جهان است

ماکس وبر هم رأی و نظر خود را به هیچ وجه ایدئولوژیک نمی‌دانست. اغواگری در همه ایدئولوژیها هست اما عالمان و حتی ایدئولوکها اغواگر نیستند هر چند که بعضی از آنها گاهی ممکن است اغوا شوند.

ماکس وبر عصر جدید و متجدد را عصر افسون‌زدایی خوانده است. در اینکه علم افسون‌زدایی کرده و جهان و انسان از قید افسانه و افسون عالم قدیم کم و بیش آزاد شده‌اند، بحث نمی‌کنیم چیزی که باید مخصوصاً به آن توجه شود این است که زمان تجدد افسون و افسانه خاص خود را پیش آورده است، علوم انسانی و اجتماعی گرچه کوشش برای افسون‌زدایی و حل و رفع بحرانشا بوده است، از همان ابتدای پدید آمدن زبان افسانه و افسون را به کلی وانهاد و در رفع بحرانشا بیشتر اثر تسکینی و گهگاه نیز نقش تعدیل کننده داشته است. اکنون نظم جهان جدید و متجدد نه فقط ایدئولوژیک است، بلکه این نظم که همه نظمها و شیوه‌های زندگی در برابر آن رنگ باخته‌اند، در دهه‌های اخیر تنها نظم متضمن آزادی و عدالت در تاریخ بشر تلقی شده است، ولی اگر نظامی تنها نظم است نمی‌تواند ایدئولوژیک نباشد. تعبیر پایان ایدئولوژی که در دهه‌های آخر قرن بیستم به میان آمد، تعبیر بی‌جایی نبود اما خبر از این نمی‌داد که دیگر ایدئولوژی وجود ندارد و مثلاً علم با فلسفه جای آن را گرفته است، بلکه پایان ایدئولوژی به معنی کارساز نبودن آن در وضع کنونی مدرنیته بود. در دوره جدید بشر تازه‌ای به وجود آمد و خود را صاحب

علوم انسانی و اجتماعی با مدرنیته و در تاریخ مدرنیته پدید آمده و از مدرنیته دفاع و پشتیبانی و حفاظت کرده است. حتی جامعه‌شناسی مارکسیست - و نه سیاست مارکسیستها - کاری جز پاسداری از مدرنیته و علاج بحرانهای آن نداشته است. اکنون که سستی در ارکان تجدد راه یافته و مدرنیته در وضع و دوره نامطمئن و بی‌آینده وارد شده است، می‌توان از شأن و جایگاه علوم انسانی پرسش کرد. آیا با علوم اجتماعی به صورتی که هم اکنون وجود دارد می‌توان اعتماد به نفس را به جهان تجدد باز گرداند. علوم انسانی مجموعه‌ای از وعظهای سازنده جهان جدید نیست، بلکه بیان عقلانیت قانونی (تعبیر ماکس وبر) غرب است. این عقلانیت را وبر در برابر عقلانیت ارزشی قرار داد تا استقلال علم به طور کلی و مخصوصاً جامعه‌شناسی را از ایدئولوژی اعلام کند. کوشش ماکس وبر در راه طرح جامعه‌شناسی مستقل از ایدئولوژی که باید جانشین ایدئولوژی شود، بی‌اهمیت نیست اما از همان ابتدا که این طرح اظهار شد بعضی صاحب‌نظران در اعتبار آن شک کردند و اکنون آثار تشکیک در طرح جامعه‌شناس آلمانی در همه جا ظاهر شده است. اگر معنی سخن جامعه‌شناس این باشد که یک نظم قانونی وجود دارد و آن نظم تجدد است و دیگر نظمها و نظامها بی‌ارزش و بی‌اعتبارند. آیا این نظم عقلانی یگانه و انحصار طلب ایدئولوژیک نمی‌شود؟ شاید این تعبیر عقلانیت انحصار طلب در نظر کسانی که با تاریخ تجدد آشنایی ندارند، موجه و قابل قبول نباشد. چنانکه

علم چیزی نیست که ما آن را هر طور که بخواهیم، بسازیم. وقتی گفته می‌شود که بشر جدید جهان را با علم خود ساخته است، معنیش این نیست که هر کس جهان خود را نپسندد، می‌تواند تصمیم بگیرد جهانی موافق طبع و میل خود بسازد.

بدانیم پیش از این چه می‌توانسته‌اند بکنند. در اقتصاد آدم اسمیت نظم اقتصادی به آسانی با آزادی و منافع فردی جمع می‌شود و در علوم آنتروپولوژی و اتنولوژی مزیت بشر جدید و نظم متجدد را در قیاس با جهل و سکون آدم و عالم قبل از تجدد می‌توان دید. جامعه‌شناسی از آغاز جامعه‌ها را بر وفق نظام مثالی سرمایه‌داری متجدد تحلیل کرده است. مارکس در زمره کسانی بود که این نظام را کشف کردند. امتیاز مارکس این بود که بحران ذاتی جامعه جدید را نشان داد. در جامعه‌شناسی رسمی هم بیماری و بحران اجتماعی انکار نمی‌شود، هر چند که در آن تعارضهای درونی جامعه جدید بیشتر پوشیده می‌ماند. با توجه به این اشارات دفاع از جامعه‌شناسی دفاع از تجدد است. آیا من در نوشته خود از علوم اجتماعی دفاع کرده‌ام؟ من گفته‌ام که علوم اجتماعی را با صدور بخشنامه و دستورالعمل اداری و بطور کلی با اتخاذ تدابیر عملی نمی‌توان دگرگون کرد و به هر راهی نمی‌توان برد. همچنین اعتناء به این علوم و رجوع به آنها را شرط توسعه دانسته‌ام. همه می‌پذیرند که حکم اول دفاع و حمایت نیست، اما در مورد حکم دوم چه باید گفت: مدرنیسم (توسعه و پیشرفت جهان توسعه نیافته) بدون علوم انسانی امکان ندارد. آیا معنی سخن این نیست که برای سیر در راه توسعه باید به علوم انسانی و پژوهشهای اجتماعی و فرهنگی و تاریخی پرداخت. این سخن نحوی دفاع از علم به طور کلی و تصدیق لزوم توجه به آن است. اما دفاع از علوم انسانی

عقلی یافت که قانونگذار نظم تجدد بود. درست است که عقل جدید این نظم را به وجود نیاورد اما به آن قوام داد و مهمتر اینکه آن را مدون کرد و قسمتی از این تدوین به صورت علوم انسانی و اجتماعی ظاهر شد. نظم جدید قوت و عظمتی داشت که نظمها و نظامهای دیگر را در برابر آن جاهل و عقب‌افتاده و غیراخلاقی و منحرف و خطاکار انگاشتند و به طرد آنها حکم دادند. تجدد بر خلاف آنچه لیبرالهای دهه‌های اخیر (که دانسته و ندانسته تحت تأثیر آراء پست مدرن قرار گرفته‌اند) می‌پندارند در ابتدا با تنوع و آزادی فرهنگها میانه‌ای نداشت. اسپینوزای فیلسوف می‌گفت اگر من حقیقت را بدانم و دیگری آن را نداند، وظیفه دارم که او را وادار به قبول آن کنم و اگر نکنم خلاف انسانیت رفتار کرده‌ام. می‌بینیم که عقل جدید اگر نه عین انسانیت لااقل لازمه آن تلقی شده است. یافت همزمان آزادی و عقل قانونگذار نظام بخش زندگی و قدرت مقید به ضرورت دگرگون‌سازی جهان، یافت دو صفت متعارض و ناساز (و البته نه متباین) است. جامعه جدید هم با این دو صفت ناهمساز به وجود آمده است ولی مردمان این ناسازگاری را چنانکه باید درک نمی‌کنند و اگر آن را به نحوی احساس کنند می‌پندارند که بر اثر یک عامل خارجی پدید آمده است و می‌توان و باید آن را رفع کرد. علوم اجتماعی هم تاکنون به طرق مختلف این ناسازگاری را پوشانده‌اند. شاید کار بزرگشان هم همین بوده است و اگر ناسازگاری را در ذات جهان جدید مضمّر

و اجتماعی موجود و حتی دفاع از برنامه‌های توسعه نیست بلکه غرض اثبات این معنی است که اگر توسعه می‌خواهیم ناگزیر باید به علوم انسانی رجوع کنیم.

ما باید اداره و مدرسه و دانشگاه و بازار و بیمارستان و دادگاه و ورزش خود را اصلاح کنیم و برای جلوگیری از توسعه اعتیاد و مفاسد دیگر چاره‌ای بیندیشیم. این کارها را بدون رجوع به علوم اجتماعی نمی‌توان انجام داد؛ یعنی تدوین و اجرای برنامه توسعه در جهان متجدد مآب موقوف به پیشرفت در علوم اجتماعی است. توسعه هر چه و هر جا باشد شبیه شدن به جامعه جدید علمی - تکنیکی است. می‌گویند ما طالب توسعه‌ایم اما نمی‌خواهیم شبیه جامعه جدید غربی بشویم. توسعه‌ای که تاکنون شناخته شده است، توسعه علمی - تکنیکی و اجتماعی - اقتصادی است و این توسعه نیز چیزی جز سیر در راه تجدد و غربی شدن نیست. اختلافهایی که در سیر توسعه کشورها دیده می‌شود، اختلافهای عرضی و سطحی و احیاناً تصنعی است. اگر صورت دیگری از توسعه منظور نظر است، باید طرح آن معلوم باشد. یعنی اگر مدل و مثال توسعه، جامعه علمی - صنعتی مصرفی غرب نیست، باید جامعه مطلوب را وصف کرد و بدیهی است که اگر به سوی مقصد دیگری غیر از جامعه غربی باید رفت، لابد روش دیگر و علم دیگر لازم است و البته این علم بر مبنایی غیر از مبنای علم رسمی کنونی قرار دارد. در این صورت باید معلوم باشد که این مبنا چیست؟ کلاه خود را قاضی کنیم. مگر تلقی ما از موجود همان تلقی عصر مدرن نیست. ما که دیگر مثل ابن‌سینا و شیخ طوسی به جهان نگاه نمی‌کنیم. ما هم مثل متجددان طبیعت را مرده و ماده تصرف می‌دانیم. ما هم اصل پیشرفت تاریخی را مسلم می‌شماریم. مع هذا با فلسفه‌ها و سیاستها و البته با شیوه زندگی غربی مخالفیم. علم و سیاست و شیوه زندگی غربی لاف‌ل در حدوث با تفکر فلسفی و هنری و تلقی از وجود عالم و آدم مناسبت و هماهنگی دارند، وانگهی مگر می‌توان مبادی و مبانی سیاست و شیوه زندگی را پذیرفت و از قبول فروع و توابع سرباز زد. اگر عکس این قضیه به وقوع پیوسته بود آن را می‌توانستیم توجیه کنیم، زیرا فروع و توابع اولاً موقعی و موقتند و ثانیاً تفاوت در اصول باعث نمی‌شود که همه آداب

و رسوم و عادات و رفتارها هم به ضرورت متفاوت باشند. مع هذا میان اصول و فروع حتی‌المقدور نباید تعارض و ناسازگاری وجود داشته باشد که اگر باشد نشانه تزلزل در اصول است و یا لاف‌ل مانع استواری آنها می‌شود.

علوم اجتماعی به اصول کاری ندارد اما وقتی در استحکام اصول تشکیک می‌شود، اعتقاد به علم هم سست می‌شود. علوم اجتماعی که با احساس مبهم تزلزل در اصول مدرنیته به وجود آمد با تصدیق صریح این تزلزل دچار اضطراب و پریشانی شد. دشواری کار ما و به طور کلی جهانی که علم و تکنولوژی را از جهان توسعه یافته می‌گیرد، این است که احیاناً اطلاعات علمی و معلومات راجع به پیدایش و قوام و بحران علم را در یک زمان فرا می‌گیرد. یعنی علمی فرا می‌گیرد که پیوندش از زمان و تاریخ گسسته است. این گسیختگی در صورتی ترمیم می‌شود که بتوان تفاوت گذشته را با تاریخ تجدد به جان آزمود. در این صورت نه فقط ماهیت و جایگاه علوم انسانی و اجتماعی کم و بیش شناخته می‌شود، بلکه فرصت بهره‌برداری نیز پیش می‌آید. با همه اینها باید به این پرسش اندیشید که اگر ماهیت علوم انسانی و اجتماعی تا اندازه‌ای آشکار شده است و بپذیریم که این علوم دیگر نمی‌توانند به دوام و استحکام جهان تجدد مددی برسانند، ما چه نیازی به این علوم داریم و چرا باید به آنها رجوع کنیم. اصلاً رجوع به علوم انسانی چه وجهی دارد و این رجوع چگونه ممکن است و مگر نه اینکه جهان توسعه نیافته و در حال توسعه در راه دشوار خود بیشتر از روشهایی که پیش از این در غرب و جهان توسعه بکار رفته است پیروی می‌کند و به پژوهش نیاز چندان ندارد. به بخشی از این پرسش در مباحث پیشین پاسخ داده شده است. در متمیم آن می‌توان گفت که تاریخ با تقلید و پیروی کورکورانه ساخته نمی‌شود و برای سیر درست در راه توسعه باید در امکانات و شرایط تاریخی و فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی تحقیق کرد و از میان راههای دشوار مناسب‌ترین را برگزید یا اگر راه مسدود است به نحوی آن را باز کرد. اینکه طراحی توسعه و به‌خصوص تحقق توسعه پایدار (که در ذائقه بسیاری از دانشمندان ما بسیار مطبوع است و نباید با رؤیایی و توهمی دانستن آن کامها را تلخ کرد) تا چه اندازه ممکن است. بحث اصلی علوم انسانی و

اجتماعی در جهان کنونی است شاید این بحث به مطالعات فرهنگی و نه به علوم اجتماعی رسمی تعلق داشته باشد در این صورت باید به وضع فرهنگی خود بیندیشیم. البته ما و شاید هیچ یک از اقوام آرزومند توسعه، علوم اجتماعی را به این عنوان که چراغ راه باشد نیاموختیم و نیاموختند. در تاریخ تعلیم و تربیت جدید سابقه آشنایی ما با علوم انسانی و اجتماعی بالنسبه طولانی است. چنانکه از صد و پنجاه سال پیش کتب و مقالاتی در روان‌شناسی و اقتصاد و جمعیت‌شناسی و ... ترجمه و تألیف شده است. اکنون هم در دانشگاه‌های ما اقتصاد و سیاست و جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و حقوق و مدیریت و جمعیت‌شناسی و قوم‌شناسی و انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی و تاریخ

تاریخ و زمان خویشند و به این جهت تقلید از آنها وجهی ندارد، بلکه با مطالعه آثار آنان باید زمان آنان را شناخت و با این شناخت، زمان خود را بهتر دریافت. مهمترین و موجه‌ترین وجه اعتنا و توجه به صاحب‌نظران و دانشمندان علوم انسانی باید درست از آب درآمدن پیش‌بینی‌های آنان باشد. البته چیزی که دانشمند پیش از این به صورت مبهم دیده است. چه بسا که امروز جلوه اجتماعی پیدا کرده و در برابر چشم مردمان قرار گرفته است. اختلاف در فلسفه‌ها و ظهور حوزه‌های متفاوت در انسان‌شناسی و اقتصاد و جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و حقوق و سیاست به تعینات گوناگون تاریخی و تفاوت در ظهور و جلوه شئون نظام پیچیده جامعه و زندگی مدرن باز می‌گردد. این نظرها و

علوم اجتماعی هر قوم متناسب و متناظر با وضع اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی آن قوم است. یعنی در یک کشور به همان اندازه که نظم اجتماعی و اقتصاد و آموزش و پرورش و بهداشت و درمان و مدیریت سامان بهتر می‌یابد و در جهت صلاح و اصلاح قرار می‌گیرد، علوم اجتماعی هم بسط می‌یابد.

تدریس می‌شود و خوشبختانه آثار بسیاری از روان‌شناسان و اقتصاددانان و سیاست‌دانان و جامعه‌شناسان نامدار هم به فارسی ترجمه شده است اما این علوم غالباً در کلاس درس و بحث دانشگاه‌ها محصور و محبوسند و اگر از آنجا بیرون آیند در سیاست و ژورنالیسم به عنوان ماده خام مورد استفاده قرار می‌گیرند. اگر از مارکس که تا دهه‌های اخیر همه دست‌اندرانش موضع سیاسی داشتند و در سیاست پیرو او بودند، بگذریم، نامداران دیگری از صاحب‌نظران علوم انسانی نیز در دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته‌اند. این یک امر عادی و قابل قبول است که دانشمندان و صاحب‌نظران هر عصر اسوه‌هایی داشته باشند که به آنان تشبیه کنند، اما اسوه دانشمند راهنمای پژوهش است نه مرجعی که صرفاً حرف‌های او را تکرار کنند. صاحب‌نظران بزرگ علوم انسانی و اجتماعی سخن‌گویان

گفتارها همه در عین اختلاف در تناسبی با عالم قرار دارند. چنانکه گاهی عالم را وصف می‌کنند و گاه نیز جهان را می‌سازند و شاید بهتر باشد بگوییم که جهان با علم ساخته و پرداخته و شناخته می‌شود. ویکو فیلسوف ایتالیایی قرن هجدهم که قدر او چنانکه باید شناخته نشده است، شاید به پیروی از هابز گفته بود ما چیزهایی را که خود می‌سازیم، می‌شناسیم. اگر پذیرفتن این قول در مورد فیزیک و بیولوژی دشوار باشد که ویکو هم آن را آسان نمی‌دانست. فهم مناسبتش با علوم انسانی و مثلاً علم اقتصاد چندان دشوار نیست. آدام اسمیت و مارکس و کینز که در مراحل حساس تاریخ تجدد به سر می‌بردند، به صرف گزارش جهان اقتصادی و وضع اقتصاد جامعه جدید اکتفا نکردند بلکه به جهان جدید و اقتصاد آن صورت بخشیدند، طرح مارکس و کینز طرح خروج

از بحران نیز بود. جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی هم شاید قدری پوشیده‌تر از اقتصاد اما نه کمتر از آن در ساختن جهان جدید و رفع بحرانهای آن موثر بوده‌اند. جهان جدید با علم دگرگون شده است. این دگرگونی را از آن جهت بیشتر به حساب سیاست گذاشته‌اند که اولاً سیاست و علم در یک همکاری پیشرفت کرده‌اند و ثانیاً سیاست آشناتر و ظاهرتر و زبان‌بازتر است و ادعای همه کاره بودن دارد. در این میان نکته ظاهراً پیش پا افتاده و در عین حال عجیب این است که دانشمند و سیاستمدار گاهی غبطه یکدیگر را می‌خورند. مثلاً دانشمندی مثل ماکس وبر می‌خواست سیاستمدار باشد اما نتوانست. (و چگونه یک دانشمند که همواره در کار طلب است و با پرسش زندگی می‌کند، می‌تواند به مراتب عالی‌قدرت سیاسی دست یابد و سیاستمدار خوبی باشد) ولی آراء و اقوالش متضمن درسهای مهمی برای سیاست و سیاستمداران آلمان و اروپا بود. لوی استراوس مردم‌شناس فرانسوی از اینکه او و دیگر مردم‌شناسان در استقرار نظم استعماری مشارکت داشته‌اند یا درست بگوییم نظم استعماری از علمشان بهره‌برداری کرده است، متأسف بود. البته این قضیه به درستی فهمیده نشده است. حتی شخص استراوس گفته است که ما مردم‌شناسان از بابت خدمت به استعمار باید توبه کنیم. از گفته دانشمند مردم‌شناس ممکن است استنباط کنند که او خود را در خدمت استعمار می‌دانسته است. این فهم، فهم درستی نیست. دانشمندان علوم اجتماعی و حتی شرق‌شناسان مأموران و کارمندان اداره استعمار نبوده‌اند (بعضی از آنها بعد از اینکه مردم‌شناس و شرق‌شناس شدند، شغل مشاورت مأموران استعمار را پذیرفتند و این وضع موجب سوء تفاهم و مستند توجیه حکم خدمتگذاری آگاهانه و از روی قصد شرق‌شناسان برای تحقق غلبه غرب و استعمار شده است) سوء تفاهم این است که گویی دانشمندان بر طبق نقشه و دستور سیاستمداران و برای پیشبرد مقاصد آنان پژوهش کرده‌اند، البته دانشمند سفارش پژوهش می‌گیرد و نهادهای قدرت در همه جا بودجه‌های هنگفت به پژوهش اختصاص می‌دهند. اما قدرت، فیلسوف و اقتصاددان و جامعه‌شناس و مورخ نمی‌پرورد، بلکه از آنها استفاده می‌کند. مردم‌شناس و مورخ و اقتصاددان و جامعه‌شناس را حکومتها و قدرتها

به وجود نیاورده‌اند، بلکه قدرتهای سیاسی و نظامی وابسته به علم بوده و به علم نیاز داشته‌اند. درست بگوییم علم مرکز و مدار قدرت در جهان جدید است و اعتبارش را هم از قدرت می‌گیرد. بعضی از ما که خیال می‌کنیم علوم انسانی و اجتماعی غربی برای مقاصد سیاسی و فرهنگی خاص به وجود آمده است، به این سودا دچار شده‌ایم که اگر از آن علوم روبگردانیم، به صرف روگرداندن می‌توانیم علوم اجتماعی موافق با فرهنگ و معتقدات خود بسازیم، یعنی تصمیم بگیریم که علم را با عقاید خود میزان کنیم یا بر مبنای آن عقاید علم بنا کنیم. این خواست ناموجه نیست، زیرا صاحبان اعتقادات حق دارند هر چه را که فکر می‌کنند با اعتقاداتشان نمی‌سازد، نپذیرند و حتی در صدد تأسیس علم موافق با مبانی اعتقادی خود باشند. به خصوص که در زمان ما علوم انسانی و اجتماعی در حال تحول است، اما تحول در درون علم صورت می‌گیرد نه اینکه کسانی تصمیم گرفته باشند که آن را از بیرون متحول سازند. عیب این قبیل تصمیمها و خواسته‌ها هر چند که از جهت صوری و اخلاقی موجه باشند، در جای خود نبودن و نشدنی بودنشان است و دروغا که جهان توسعه نیافته و در حال توسعه بسیاری از وقت خود را با تمناهای محال می‌گذرانند و به این تمناها نام کمال می‌دهد. چنانکه اشاره شد تمنای تأسیس علم اجتماعی مبتنی بر معارف دینی تمنای اخلاقاً موجهی است اما باید ابتدا در شرایط امکان آن تأمل کرد. علوم اجتماعی به ضرورت با دین و اعتقادات دینی در تعارض نیستند، آنها هم مثل دیگر علوم جدید سکولارند. اقتصاددانان و مردم‌شناسان هم مثل زیست‌شناسان و پزشکان و مهندسان می‌توانند مؤمن به خدا و معتقد به اعتقادات دینی باشند و به هر حال دانش آنها مانع معتقد بودنشان نمی‌شود، اما آنها در اوقاتی که احوال دینی دارند، نمی‌توانند سودای تصرف در عالم داشته باشند زیرا در آن احوال کارها را به خدای خویش وا می‌گذارند و نکته مهم در این بحث اینکه دانشمندان هم هر چند که اعتقادات دینی داشته باشند وقتی به پژوهش مشغولند به اقتضای رعایت روش علم نمی‌توانند هیچیک از اعتقادات خود را در پژوهش خود دخالت دهند. علوم اجتماعی علم عمارت دنیا است. در دوره جدید بشر

جهان را برای خویش ساخته است اما اگر او می‌توانسته است جهان خویش را بسازد، چرا دیندار نتواند بگوید و نگوید که من این جهان را بر هم می‌زنم تا یک جهان دینی بسازم و به جای جهان غیر دینی بگذارم. او همچنین می‌تواند بگوید که علوم اجتماعی را هم برای ساختن جهان دینی می‌خواهد. اگر این سخن به صورتی که بیان شد بیشتر به لقلقه زبان و شعار صرف می‌ماند اما صورت از دل و جان برآمده‌اش شاید بتواند راه و جای خود را به نحوی باز کند که به تحول در علم و نظم زندگی برسد. نکته این است که اگر کسی مدعی دگرگون ساختن جهان است خود باید دگرگون شده باشد. علم چیزی نیست که ما آن را هر طور که بخواهیم، بسازیم. وقتی گفته می‌شود که بشر جدید جهان را با علم خود ساخته است، معنیش این نیست که هر کس جهان خود را نپسندد، می‌تواند تصمیم بگیرد. جهانی موافق طبع و میل خود بسازد. در جهان جدید قدرت آدمی و نظم علم و زندگی با هم به نحوی کنار آمده و جمع شده‌اند چنانکه گویی جهان و انسان جدید متناظر و هماهنگ با یکدیگرند. طرحی که دانشمندان و صاحب‌نظران در می‌افکنند در تجربه و عمل تأیید یا رد می‌شود. کانت محدودیت علم و عقل را نشان داد تا این هر دو بتوانند مقوم قدرت آدمی شوند، کمتر توجه شده است که اهمیت تجربه و علم تجربی در جهان متجدد به اصل لزوم هماهنگی میان علم و ادراک با نظم جهان باز می‌گردد. در نظر کانت با اینکه آدمی صورت بخش احکام علمی بود، در قلمرو علم ناچار می‌بایست از حکم ضرورت پیروی کند و آزادیش به عالم اخلاق تعلق داشت و در آنجا متحقق می‌شد. هگل این معنی را به صورت یک اصل در آورد و گفت آنچه موجود است، معقول است. یکی دانستن موجود و معقول در عین حال قدرت و محدودیت آدمی را نشان می‌دهد، زیرا با اینکه بارزترین مظهر عقل، وجود انسان است انسان مالک عقل و عقل یک شی یا صفت متعلق به انسان نیست بلکه عقل در عالم و در تاریخ متحقق می‌شود البته کسانی هم می‌توانند معتقد باشند که عقل، عقل ماست و هر وقت و هر جا برای هر مقصودی بخواهند آن را بکار می‌برند. این رأی هر حسنی داشته باشد عیب بزرگش این است که با تواضع

که لازمه علم و تفکر است و با تذکر و خودآگاهی که راه عمل را هموار می‌کند منافات و بیگانگی دارد. در مجلسی شنیدم که کسی می‌گفت انسان غربی یک بعدی است و از نظر ما بشر دو بعد دارد. پس باید علوم انسانی دو بعدی ایجاد کرد. شاید این سخن نادرست نباشد اما لحن و زبانش، زبان و لحن علم و تحقیق نیست. با گوینده باید بحث کرد و از او پرسید ملاک تشخیص بشر یک بعدی از دو بعدی چیست. اگر این را بداند یا دریابد بجای داعیه داشتن قدم در راه می‌گذارد و زبان دیگر جز زبان تکراری و قالبی یک ساحتی می‌گشاید. تا حدود پنجاه سال پیش یعنی تا وقتی که مارکوزه کتاب «بشر یک ساحتی» خود را نوشته بود ما سخن از دو ساحتی بودن نمی‌گفتیم یعنی اکنون حتی در مقام مخالفت با علوم انسانی و اجتماعی موجود با مفاهیم آن علوم درباره خود و دیگران حکم می‌کنیم.

صرفنظر از سخنان تکراری و قالبی که آنها نیز از غرب و از متن علوم انسانی غربی اخذ شده است، همواره و همیشه میان نحوه وجود آدمی و علم او تناسبی برقرار بوده است. آدم یک ساحتی علمش یک ساحتی است و اگر در جایی انسان دو ساحتی یا سه ساحتی وجود دارد، نباید نگران علم یک ساحتی باشد و از آن بهراسد. اصلاً نیازی نیست اعلام شود که ما دو ساحتی هستیم پس بیایم علم دو ساحتی بسازیم. علوم اجتماعی هر قوم متناسب و متناظر با وضع اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی آن قوم است. یعنی در یک کشور به همان اندازه که نظم اجتماعی و اقتصاد و آموزش و پرورش و بهداشت و درمان و مدیریت سامان بهتر می‌یابد و در جهت صلاح و اصلاح قرار می‌گیرد، علوم اجتماعی هم بسط می‌یابد. علم حرف و قیل و قال و الفاظ نیست. دو ساحتی بودن یعنی ظاهر هماهنگ با باطن داشتن و کسی که ظاهرش راه به باطن می‌برد اگر به علم بپردازد علمش هم پیوسته به باطن است البته می‌توان به باطنها هم قائل بود، چنانکه مثلاً مولانا جلال‌الدین به عقل و به عقل عقل و به عقل عقل قائل بود یعنی او بشر را سه ساحتی می‌دانست. آنکه دو ساحتی یا سه ساحتی است زبان دیگری دارد و از سخنش پیداست که یک ساحتی نیست. آدم یک ساحتی هم خود را در زبانش می‌شناساند.

تدوین و اجرای برنامه توسعه در جهان متجددمآب موقوف به پیشرفت در علوم اجتماعی است.

در مورد همه علوم درست است؛ یعنی دانشمند به دانشی که هنوز وجود ندارد نمی‌اندیشد، بلکه در گوشه‌ای از جهان علم در مسائل معین پژوهش می‌کند و مهم اینکه طلبی او را به این کار و می‌دارد بی‌آنکه به درستی بداند راه او به کجا خواهد رسید. ما نیز اگر پرسشی داریم و در طلب دانستن هستیم قدم در راه می‌گذاریم و به تدریج منزلها را می‌پیمائیم. اگر قبل از حرکت معین می‌کنیم که راه چه باید باشد و شرایط ورود در آن چیست و منزلها را چگونه باید طی کرد، به طلب علم نیازی نداریم زیرا راهها و منزلها را می‌شناسیم و دیگر لازم نیست آنچه را که حاصل شده است، تحصیل کنیم. مع‌هذا مسئله را به همین سادگی حل شده نینگاریم. هیچ راهی را کورکورانه و با جهل و غفلت نمی‌توان پیمود و مخصوصاً وقتی خلجائی در ذهن گروهی از مردم پدید می‌آید و دچار این شبهه می‌شوند که بعضی از علوم ممکن است با اعتقادات دینی در تعارض باشند، باید تأمل کرد یعنی همانطور که شعار رد و نفی علم را بی‌تأمل نباید پذیرفت، به آزرده‌گی مردمان و ترسشان از اخلاص در عقاید نیز نباید بی‌اعتنا بود. این ترس و پروا به صورت تاریخی آن و نه به معنی یک حالت نفسانی، در کشور ما سابقه دارد و منشاء آثار بوده است. من در کتاب «ما و تاریخ فلسفه اسلامی» درصدد فهم و بیان این اصل بوده‌ام که جهت تاریخ فلسفه اسلامی کم و بیش با این پروا و بیم معین شده است. البته نباید گمان کرد که بر اثر این پروا فلسفه ماهیت دیگری پیدا کرده است. اکنون هم این نگرانی می‌تواند کارساز باشد به شرط آنکه راه تحقیق را نبندد بلکه دقت در راهیابی را افزون کند. فلسفه و علوم انسانی غربی را با این پروا باید آموخت و شرح کرد. اما جرح آنها هیچ سودی ندارد و مسلماً به علم و شاید به درک ما زیان و آسیب برساند برای ایجاد تحول در علم باید به فکر تحول در وجود و درک خود بود. علم هر جهانی متناسب با نظم آن جهان است.

اگر علوم انسانی و اجتماعی غربی یک ساحتی است و لازم است که این علوم به باطنشان بازگردند، این باطن هر چیزی نمی‌تواند باشد و البته ظاهر یک جهان دیگر را نمی‌توان باطن ظاهر غربی قرار داد. اسلام که حقیقت و شریعت دارد شریعتش قائم به حقیقت است و ظاهر و باطنش از هم جدا نمی‌شوند، اما گاهی چنان سخن گفته می‌شود که گویی می‌توان ظاهر دین را بجای باطن جهان متجدد قرار داد و با آن ظاهر تجدد غربی را حفظ کرد و اگر انحرافی داشته است آن را از راه انحراف باز آورد. نشانه گذشت از ظاهر و رفتن به باطن گشودن زبان طلب و پرسش به جای صدور تصدیق‌های بلا تصور و احکام قبل از تحقیق است.

ما هنوز در مورد علوم انسانی و اجتماعی کمتر پرسش می‌کنیم و اگر می‌خواهیم و می‌توانیم پرسش کنیم از این پرسش مقدماتی و ضروری آغاز کنیم که آیا ما به علوم انسانی و اجتماعی نیاز داریم و اگر این نیازمندی را احساس کرده‌ایم می‌توانیم بگوییم که چه نیازی به علوم داریم. درست است که بعضی نیازهای ما با علم برآورده می‌شود، اما مردم به مفهوم علم و به کل سیستم یک علم احساس نیاز نمی‌کنند حتی دانشمندان هم از ابتدا طالب یک سیستم علمی نیستند بلکه مسأله دارند و مسائل که به هم می‌پیوندند و همه به اصل یا به اصول معین باز می‌گردند. علم قوام پیدا می‌کند. مردم اروپا از قرون شانزدهم و هفدهم و هیجدهم تصمیم نگرفتند که علوم فیزیک و شیمی و... را تأسیس کنند. آنها تأمل و پژوهش کردند و در نتیجه پژوهشهای اینجا و آنجا زمینه و ماده علوم فیزیک و شیمی و بیولوژی و جامعه‌شناسی فراهم شد. گاليله قصد و عزم نکرده بود که فیزیک تأسیس کند او اهل دانش و پژوهش بود. پژوهشگران دیگر هم که پژوهشهای او را دنبال کردند در اندیشه و آرزوی تأسیس علم فیزیک نبودند بلکه بر پژوهشهایی که آنان کردند، نام فیزیک نهاده شد. این حکم



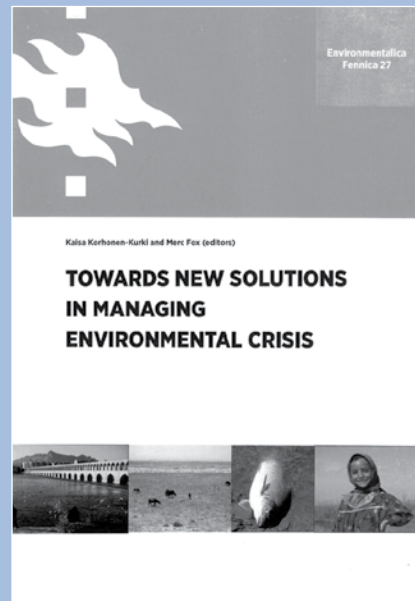
انتصاب جدید

طبق نظر مشورتی شورای گروه علوم مهندسی و با صدور حکمی از سوی رئیس فرهنگستان علوم، آقای دکتر فرامرز افشار طارمی عضو وابسته گروه علوم مهندسی و استاد دانشگاه صنعتی امیرکبیر به مدت دو سال به عنوان رئیس شاخه مهندسی شیمی منصوب شد.

انتشار مجموعه مقالات کارگاه مشترک

Towards New Solutions in Managing Environmental Crisis

پیرو برگزاری کارگاه مشترک در زمینه محیط زیست در کشور فنلاند، مقالات ارائه شده در این کارگاه به صورت ویژه نامه ای با عنوان Environmentalica منتشر شد. از فرهنگستان علوم نیز مقالاتی از آقایان دکتر مصطفی سهراب پور، دکتر محمدحسن پنجه شاهی، دکتر حسن ظهور و دکتر محمد خلیج، دکتر منصور طاهری انارکی و دکتر شمسی راحمی، دکتر جلال شایگان و توفید نودل، دکتر مجید مخدوم فرخنده و دکتر مهدی بهادری نژاد در این مجموعه درج شده است.



فرهنگ نوین کشاورزی و منابع طبیعی

نیاتات» در خبرنامه شماره ۳۲ فرهنگستان علوم معرفی شد. عناوین و ویژگیهای سه مجلد دیگر به شرح ذیل است:

۱. مجلد دوم: «بیماری شناسی گیاهی»، ۵۴۰ صفحه، مؤلفان: دکتر کرامت... ایزدپناه، دکتر جعفر ارشاد، دکتر ضیاءالدین بنی‌هاشمی و دکتر عباس شریفی‌تهرانی.

۲. مجلد سوم: «علوم باغبانی»، ۳۴۵ صفحه، مؤلفان: دکتر مرتضی خوشخوی، دکتر وازگین گریگوریان، دکتر عنایت... تفضلی، دکتر مصطفی مبلی، مرحوم دکتر رضا امیدبگی، دکتر علیرضا سپاهی و دکتر احمد خلیقی.

۳. مجلد چهارم: «آبیاری»، ۵۸۹ صفحه، مؤلفان: دکتر علیرضا سپاسخواه، دکتر حسن رحیمی، دکتر علی اصغر موحد دانش، دکتر حسین صدقی، دکتر علی خلیلی، دکتر امین عزیزاده و دکتر جواد فرهودی.

فرهنگ نوین کشاورزی و منابع طبیعی شامل تعریف و معادل فارسی واژگان علمی، حاصل اجرای طرح پژوهشی گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم است که در دو مرحله و در پانزده شاخه و زیرشاخه تخصصی گروه یاد شده در قالب ضوابط و شیوه‌های تعیین شده به اجرا در آمد.

شورای گروه علوم کشاورزی با توجه به نیاز مبرم دانشجویان، استادان، مترجمان و محققان رشته‌های کشاورزی و منابع طبیعی تصمیم گرفت، نتایج این دو مرحله از طرح را چاپ و منتشر کند.

تاکنون چهار مجلد از فرهنگهای یاد شده توسط فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران و مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران در شمارگان ۲۰۰۰ نسخه به چاپ رسیده است. مشخصات مجلد اول آن با عنوان «زراعت و اصلاح



شورای همگانی گروه علوم دامپزشکی

با اجرای طرح‌های کلان به استحضار اعضاء رسید. سپس مقرر شد جهت تقویت شاخه‌های علمی گروه از استادان معرب دانشگاه‌های کشور به عنوان اعضای جدید مدعو و یا وابسته استفاده گردد.

روند «تأسیس دانشکده‌های دامپزشکی در کشور» موضوع دیگر این جلسه بود که حاضران متفق‌القول اظهار داشتند که تأسیس دانشکده جدید باید متوقف و اشتغال دانش‌آموخته‌ها بیشتر شود.

روز یکشنبه مورخ ۱۳۸۹/۳/۱۶ شورای همگانی گروه علوم دامپزشکی در محل گروه مربوطه تشکیل شد. در ابتدای جلسه آقای دکتر نادعلیان عضو پیوسته و رئیس گروه علوم دامپزشکی اخبار مربوط به گروه و موضوع مجمع آکادمیهای جهان، اطلاعیه‌های یونسکو و کشور لهستان و بودجه دفتر آینده‌نگری برای گروه‌ها را به اطلاع اعضاء رساند. در ادامه جلسه در رابطه با طرح‌های پیشنهادی بحث و تبادل نظر شد و سیاست فرهنگستان علوم در رابطه

فعالتهای اتاق فکر دفتر آینده‌نگری علم و فناوری

■ تبیین وظیفه فرهنگستان علوم در ارتقای آینده‌نگری در کشور

■ چگونگی فرهنگسازی آینده‌نگری در مدارج مختلف تحصیلی کشور نظیر دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی.

■ بحث و بررسی پیرامون توسعه کمی و کیفی کتابها، نشریات و مجلات آینده‌نگری

ایشان در ادامه اظهار داشت که موضوع «بررسی وضعیت آینده‌نگری در ایران» محور اصلی جلسات اتاق فکر است.

این اتاق از طرفی در حال ایجاد کتابخانه حقیقی و مجازی در زمینه آینده‌نگری نیز هست و در حال حاضر هر دو ماه یکبار، جلسات عمومی و میزگرد هم‌اندیشی در زمینه آینده پژوهی برگزار می‌کند. تاکنون سه میزگرد آینده پژوهی توسط اتاق فکر دفتر آینده‌نگری علم و فناوری فرهنگستان علوم برگزار شده است.

آقای دکتر عبدالرحیم گواهی سرپرست دفتر آینده‌نگری علم و فناوری در گفتگوی کوتاهی با خبرنگار فرهنگستان علوم اظهار داشت که این دفتر برای سامان دادن به فعالتهای خود، از گروهی صاحب‌نظر در زمینه آینده‌نگری دعوت و اتاق فکر دفتر آینده‌نگری علم و فناوری را تأسیس کرده است.

علاوه بر آقای دکتر گواهی، آقایان دکتر محمد آریامنش، دکتر حمیدرضا برادران شرکا، دکتر محسن بهرامی، دکتر علی پایا، دکتر سعید خزایی، دکتر سیدمحمد طباطبائی، مهندس کمال طباطبائی، مهندس عبدالمجید کرامت‌زاده، بایزید مردوخی و مهندس امیرحسین ناظمی و خانمها دکتر رویا طباطبائی یزدی و دکتر خجسته عارف‌نیا اعضای این اتاق هستند.

در حال حاضر این اتاق در زمینه‌های ذیل فعالیت دارد:

■ تبیین نقش و جایگاه آینده‌نگری در فرهنگستان علوم

تصویب اولویتهای پیشنهادی گروه علوم پایه در ارتباط با نقشه جامع علمی کشور در شورای عالی انقلاب فرهنگی

(ب) زلزله‌خیزی در کشور و اطلاع‌رسانی به جامعه در مورد اهمیت علوم زمین شامل: زمین‌شناسی، ژئوفیزیک، هواشناسی، اقیانوس‌شناسی

(ج) مخاطرات همراه با عوارض زمین زاد و بشرزاد شامل: زمین زاد (عوارض زمین‌شناختی شامل آتشفشان، زمین لغزه، بیابان‌زایی، تغییرات اقلیم) و بشرزاد (بهره‌برداری نامناسب از معادن، عوارض زمین‌شناسی شهری و ...)

■ زیست‌شناسی

(الف) بررسی جنبه‌های مولکولی، ژنتیکی، بیوشیمیایی، بیوفیزیکی، بیوتکنولوژیکی و زیست محیطی گیاهان، جانوران و میکروارگانیسمهای تأمین‌کننده غذا، دارو و سلولهای بنیادی (ب) بررسی ذخایر ژنتیکی گیاهان، جانوران و میکروارگانیسمهای بومی، تأمین منابع جدید غذا و دارو از گیاهان، جانوران و میکروارگانیسمها، ایمنی زیستی، بیوانفورماتیک، علوم شناختی و رفتاری، جنبه‌های ژنتیکی ژن‌درمانی (ج) تنشهای زیستی و غیر زیستی؛ تولید ارقام و گونه‌های مناسب؛ بررسی زیستی مراتع و جنگلها، حوزه‌های میان رشته‌ای (مخاطرات زیست محیطی، انرژیهای نو)

■ شیمی

(الف) شیمی آلی، معدنی، صنایع شیمیایی و دارویی (ب) سنتز ترکیبات جدید و نانو با کاربرد صنعت، دارویی، پزشکی و الکترو شیمی

(ج) توجه ویژه به ارزش افزوده مواد خام، نفت، گاز و مواد معدنی با توجه به ذخایر عظیم کشور و صادرات مواد با ارزش افزوده، فرآوری و استحصال و تخلیص مواد آلی، معدنی و سیلیکونی، میان‌رشته‌ای سلولهای خورشیدی و انرژیهای نو

■ فیزیک

(الف) ماده چگال (ب) اپتیک و لیزر، فیزیک انرژیهای بالا و ذرات بنیادی، محاسبات کوانتومی و اطلاعات کوانتومی، نانو فیزیک، نجوم و کیهان‌شناسی، حوزه‌های میان رشته‌ای (بیوفیزیک، انرژیهای نو، تغییر اقلیم و ...)

(ج) پلاسما، فیزیک سیستمهای پیچیده

به منظور مشارکت گروه علوم پایه فرهنگستان علوم در تدوین نقشه جامع علمی کشور و استفاده از نقطه نظرهای صاحب‌نظران گروه علوم پایه در اولویتهای پژوهشی و فناوری، طی جلسات متعددی با شرکت اعضای پیوسته، وابسته و مدعو این گروه، اولویتهای پیشنهادی مطرح در شورای عالی انقلاب فرهنگی مورد بحث و نقد قرار گرفت و در نهایت پیشنهاد جدیدی به عنوان اولویتهای پژوهشی و فناوری در علوم پایه برای طرح در آن شورا در تاریخ ۱۳۸۹/۴/۱۵، به دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی ارسال گردید.

اعضای گروه علوم پایه فرهنگستان با استناد به قول دکتر عبدالسلام که «علم امروز تکنولوژی فرداست» تأکید نمودند که پیشرفت در زمینه تکنولوژی و مهندسی بدون پرداختن به علوم بنیادی و پایه غیر ممکن می‌باشد و با عنایت به راینیها و مباحث به عمل آمده، پیشنهادهای پژوهشی و فناوری را به شرح ذیل برای دبیرخانه شورا ارسال نمودند. بر اساس اطلاعات واصله و با عنایت به استقبال اعضای محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی و با اهتمام آقای دکتر مهدی گلشنی عضو پیوسته گروه علوم پایه و سایر اعضا و تأکید رئیس محترم جمهوری، مجموعه اولویتهای پیشنهادی گروه علوم پایه فرهنگستان علوم به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید.

■ ریاضی

(الف) ریاضیات گسسته و ترکیباتی (رمزنگاری، کدگذاری، کاربرد در کامپیوتر)، جبر، مبانی ریاضیات، منطق و نظریه اعداد (ب) آنالیز (آنالیز تابعی و همساز، معادلات دیفرانسیل، سیستمهای دینامیکی و احتمال) هندسه و توپولوژی (ج) کاربرد ریاضیات در علوم و فناوری (آمار، آنالیز عددی، تحقیق در عملیات، نظریه کنترل و بهینه‌سازی، ریاضیات مالی و صنعتی، زیست ریاضی)، آموزش، تاریخ و فلسفه ریاضی (تأکید بر تاریخ ریاضیات اسلامی - ایرانی)

■ زمین‌شناسی

(الف) مطالعه بیماریهای همراه با شرایط زمین‌شناختی، حوزه‌های میان‌رشته‌ای (زمین‌شناسی پزشکی، زمین‌شناسی زیست محیطی)

میزگرد «بررسی راههای تحقق توسعه علمی کشور»

خشونت در حل تعارضها است. ■ توسعه علمی باید به صورت همه‌جانبه در نظر گرفته شود و توجه به کیفیت، پژوهشهای بنیادی، کاربرد دانش موجود و توسعه فرهنگ علمی نباید فدای گسترش کمی، پژوهشهای کاربردی، تولید دانش جدید و تقویت سخت‌افزاری شود. ■ آموزش و پرورش ما دچار حافظه‌گرایی صوری شده است. از خلاقیت ذهنی بچه‌های ما غافل‌اند. مدرسه‌های ما خلاقیت ذهنی را دامن نمی‌زند. خلاقیت‌های هنری و ارتباطی را نمی‌تواند پرورش دهد. اجتماعی کردن دانش‌آموزان را فراموش کرده است. در این صورت توسعه علمی با مشکل مواجه می‌شود.

■ در ایران فلسفه اجتماعی ما به علم تبدیل نمی‌شود. میان علم ما و فلسفه اجتماعی ما سازگاری و انطباق نیست. علم ما به فناوری تبدیل نمی‌شود. ۱۳ هزار مقاله ISI ما سالی ۴ تا ۵ مقاله، Patent می‌شود. وقتی تکنولوژی می‌خواهد تبدیل به تولید شود، دچار شکافها و مشکلات زیادی هست که عدم توازن را در آن ملاحظه می‌کنیم.

■ در توسعه علمی باید رویکرد کلان‌نگر داشته باشیم و کل جامعه و سایر زیرسیستمها که با نظام علمی در تعامل‌اند با هم سیاستگذاری و برنامه‌ریزی شود.

روز سه شنبه مورخ ۱۳۸۹/۴/۱۵ میزگرد «بررسی راههای تحقق توسعه علمی کشور» با حضور آقایان دکتر رضا داوری اردکانی، دکتر حسن ظهور، دکتر علی شریعتمداری، دکتر مهدی بهادری‌نژاد، دکتر محمدقلی نادعلیان، دکتر عباس شریفی‌تهرانی، دکتر عبدالرحیم گواهی، دکتر حسین نمازی، دکتر اسماعیل خلیلی، دکتر محمدامین قانع‌راد، دکتر محسن غفوری آشتیانی، دکتر غلامرضا قربانی، دکتر غلامرضا ذاکر صالحی، دکتر سید سپهر قاضی نوری، دکتر رضا منیعی، دکتر مقصود فراستخواه، دکتر مسعود نیلی، دکتر رضا مکنون، دکتر علیرضا حسن‌زاده، دکتر محمدرضا رضوی، دکتر ضیاءالدین بنی‌هاشمی، دکتر کرامت‌... ایزد پناه، دکتر جعفر ارشاد و ابوالفضل میرزاپور در سالن شورای فرهنگستان علوم برگزار شد و سخنرانان در ارتباط با موضوعات «مفهوم توسعه علمی پایدار»، «آموزش و توسعه علمی»، «رویکرد زیست بومی توسعه علمی در ایران»، «توسعه علمی نظام‌مند» و نظایر آن سخنرانی کردند. در ذیل گزیده‌ای از مطالب ارائه شده، ملاحظه می‌شود:

■ توسعه علمی جزئی از توسعه همه‌جانبه با ابعاد فقر زدایی، افزایش کیفیت زندگی و رضایت مردم، کنترل رشد جمعیت، استفاده بهینه از منابع اقتصادی و زیست محیطی و عدم کاربرد



■ شیوه آموزش ما از دانشگاه تا ابتدایی غلط است. فقط سطح محفوظات را بالا می‌برند که این محفوظات موقت است و زود از بین می‌رود. شیوه آموزش باید همراه با شیوه تحقیق باشد. استاد دانشگاه باید طرح مسئله کند و دانشجو را به تحقیق وادار کند تا دانشجو به درک علمی برسد.

■ مسئله و مشکل آموزش و پرورش ما اخلاق است. آن چیزی که ما فاقدش هستیم، اخلاق علمی، اخلاق پژوهشی، اخلاق اجتماعی و ... است.

■ دانشگاه‌های ما مدرک‌گرا شده‌اند. با آموزش از راه دور به کدام سو می‌رویم؟ دانشگاه‌های ما باید متحول شود. باید در دانشجو انگیزه ایجاد کرد و یکی از پارامترها توجه به مسائل مادی دانشجویان و استادان است.

■ باید توسعه علمی را از توسعه علم جدا کنیم. ما به توسعه علم آنچنان که فکر می‌شود نیاز نداریم، بلکه به توسعه علمی نیاز داریم.

■ آن چیزی که در قرن ۲۱ یک چالش است و این هنری است که ما در ایران کم داریم همان علم نافع است. باید کاری کنیم رشد علم موزون شده و از حالت کاریکاتوری خارج شود.

■ یکی از وظایف آکادمی‌های دنیا بیانیه دادن است. در بسیاری از کشورهای پیشرفته این بیانیه‌ها بسیار تأثیر می‌کند. بیانیه باعث می‌شود در مراکز قانونگذاری، در دولتها و مراجع تصمیم‌گیری حرکت ایجاد شود. در ایران این مسئله هنوز به خوبی جا نیفتاده است. لازم است در مورد مسائل روز بیانیه بدهیم.

■ ما باید مأموریت را برای دانشگاه‌هایمان مشخص و هدفگذاری کنیم. یکی از معضلاتی که داریم این است که وزارتخانه‌های ما به جای سیاستگذاری مجری هستند. در حالی که وظیفه اصلی آنها سیاستگذاری است و نه اجرا. اگر از دانشگاه‌ها انتظار داریم نیازهای جامعه را برآورده کنند، باید حداقل یک و نیم درصد درآمد ناخالص ملی را در اختیار دانشگاه‌ها قرار داد.

■ دومین میزگرد آینده‌پژوهان کشور

«ارتقای فرهنگ آینده‌پژوهی در جامعه»

روز پنج‌شنبه مورخ ۱۳۸۹/۴/۱۷ دومین میزگرد آینده‌پژوهان ایران با عنوان «ارتقای فرهنگ آینده‌پژوهی در جامعه» با حضور اعضای شورا و کمیسیون آینده‌نگری، رؤسای گروه‌های علمی فرهنگستان و تعدادی از صاحب‌نظران آینده‌پژوهی کشور در سالن شورای فرهنگستان علوم برگزار شد. در این میزگرد آقای مهندس عبدالمجید کرامت‌زاده عضو اتاق فکر دفتر آینده‌نگری علم و فناوری سخنرانی کرد.

محورهای اصلی سخنرانی ایشان پیرامون مسائل زیر بود:

■ کمک به کشف مسائل اصلی و محوری ایران در آینده بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت

■ جستجو، شناسایی و گفتگوی انتقادی و اجتماعی جهت شکل‌دهی به گفتمان آینده

■ کمک به گسترش دانش و عمق بخشیدن به دانش آینده‌پژوهی با نگاهی جامع‌گرا

■ فقدان دانش پایه مشترک برای برنامه‌ریزی تحقیقاتی، آموزش و توسعه طرح‌های آینده‌پژوهی

■ ایجاد گسترش استانداردها و هنجارهای آینده‌پژوهی عمومی و حرفه‌ای

■ کمک به توسعه و بومی‌سازی روشها و ابزارهای آینده‌پژوهی بر حسب اقتضائات بومی - ملی

■ کمک به توسعه مؤسسات و مراکز آینده‌پژوهی کشور

■ گسترش آموزش آینده‌پژوهی در سطوح مختلف، ابتدایی، متوسطه و دانشگاه‌های کشور

■ گسترش فرهنگ مشارکت همگانی در خلق آینده‌های مطلوب

■ کار مستمر فردی و جمعی بر روی آینده‌های بدیل به عنوان یکی از زیرساخت‌های آینده‌پژوهی

پس از سخنرانی ایشان، حاضران به بحث و تبادل نظر و پرسش و پاسخ در ارتباط با مباحث مطرح شده پرداختند.

■ تجلیل از برخی اعضای گروه علوم کشاورزی در

یازدهمین کنگره انجمن زراعت و اصلاح نباتات

آمد. از گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم نیز از مقام علمی آقایان دکتر بهمن یزدی صمدی (رشته اصلاح نباتات)، دکتر علیرضا کوچکی (رشته زراعت) و دکتر داریوش مظاهری (رشته زراعت) تقدیر شد و به استادان نامبرده تندیس افتخار اهداء گردید.

یازدهمین کنگره انجمن زراعت و اصلاح نباتات روزهای ۲-۴ مرداد ماه سال جاری در محل دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد.

در این کنگره برای نخستین مرتبه از چهره‌های تأثیرگذار رشته‌های زراعت و اصلاح نباتات کشور تقدیر به عمل

نود و دومین جلسه مجمع عمومی

هادی ندیمی و دکتر محمدحسین حلیمی اعضای پیوسته گروه علوم مهندسی به ترتیب پیرامون «نسبت علم با هنر» و «دستاوردهای بازدید از گنبد سلطانیه در سفر مجمع عمومی فرهنگستان علوم به زنجان» و آقای دکتر یوسف ثبوتی عضو پیوسته گروه علوم پایه درباره «انرژی و تغییرات اقلیم» در حضور سایر اعضای پیوسته سخنرانی کردند. همچنین در حاشیه مجمع عمومی، سه جلسه بحث آزاد دیگر با عناوین «جایگاه فرهنگستان علوم در نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و نقش فرهنگستان در تحقق توسعه علمی کشور»، «مسائل مربوط به محیط زیست کشور» و «نقش خلاقه هنر در فرهنگ ایران» برگزار شد و حاضران به تبادل نظر پرداختند.

روز پنجشنبه مورخ ۱۳۸۹/۵/۱۴ نود و دومین جلسه مجمع عمومی فرهنگستان علوم با حضور ۳۳ نفر از اعضای پیوسته در هتل نارنجستان تشکیل شد. در این جلسه تمديد عضويت وابسته آقایان دکتر عباس افشار، دکتر علی‌اکبر رمضانپور، دکتر سیامک مرادیان و دکتر جمشید فتحی از گروه علوم مهندسی به تصویب رسید و پس از بحث و تبادل نظر و رأی‌گیری مخفی آقای دکتر عباس شریفی تهرانی عضو پیوسته گروه علوم کشاورزی به عنوان برگزیده فرهنگستان علوم برای مراسم بزرگداشت مشترک فرهنگستانهای جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد. در حاشیه نود و دومین جلسه مجمع عمومی، روز چهارشنبه مورخ ۱۳۸۹/۵/۱۳ آقایان دکتر



■ جلسه بحث و گفتگو پیرامون

«مسائل مربوط به محیط زیست کشور»

روز چهارشنبه مورخ ۱۳۸۹/۵/۱۳ جلسه بحث و تبادل نظر پیرامون «مسائل مربوط به محیط زیست کشور» با حضور ۲۰ نفر از اعضای پیوسته در محل هتل نارنجستان برگزار شد. در این جلسه موضوعاتی نظیر لزوم استفاده از انرژی خورشیدی برای تأمین گرما و سرمای ساختمانها، لزوم استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر، فرهنگسازی در صرفه جویی انرژی از دبستان، پیشنهاد ایجاد یک بنیاد مردمی به نام «بنیاد محیط زیست کشور»، لزوم سیاستگذاری در سطوح ملی و جهانی و مطالعه در تمام ابعاد محیط زیست، نقش دانشگاهها در حافظت از محیط زیست، ضرورت نظارت بیشتر مسئولان ذیربط به محیط زیست کشور و نظایر آن بحث و تبادل نظر شد. در پایان پیشنهاد شد مطالعه بر روی ابعاد گوناگون محیط زیست با همکاری تمام گروههای علمی به منظور اظهار نظر و اطلاع رسانی درباره بی توجهی به عواقب زیان آور «عدم اعمال مدیریت علمی در استفاده از منابع کشور»، در قالب یک طرح کلی از اولوئتهای فرهنگستان علوم در نظر گرفته شود.

■ جلسه بحث و گفتگو پیرامون

«جایگاه فرهنگستان علوم در نظام تصمیم سازی و تصمیم گیری کشور و نقش فرهنگستان در تحقق توسعه علمی کشور»

روز پنجشنبه مورخ ۸۹/۵/۱۴ جلسه بحث و گفتگو پیرامون جایگاه فرهنگستان علوم در نظام تصمیم سازی و تصمیم گیری کشور و نقش فرهنگستان در تحقق توسعه علمی کشور با حضور اعضای پیوسته حاضر در مجمع عمومی برگزار شد. در این جلسه موضوعاتی نظیر: فعالیت کارگروه بازنگری تشکیلات فرهنگستان، لزوم تعامل بیشتر فرهنگستان علوم با دانشگاهها، تشکلهای و مراکز علمی و فرهنگستان علوم سایر کشورها، ارتباط با دانشمندان ایرانی خارج از کشور، توسعه ارتباطات با نهادهای سیاستگذاری

هر سه قوه، ضرورت پایش، ارزیابی و انتشار وضع موجود کشور در زمینه های مختلف و ارائه پیشنهاد به مسئولان ذیربط مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. در پایان پیشنهاد شد خلاصه ای از مطالعات و طرحهای انجام شده فرهنگستان در قالب «خلاصه مدیریتی» گردآوری و در یک نشریه خاص تدوین شود تا برای مدیران ارشد کشور ارسال گردد. به این منظور پیشنهاد شد با ایجاد چند کارگروه مختلف نسبت به تعریف دقیق مشکلات و طرح درست مسائل، کار آغاز گردد.



نقش ادیان در حفاظت از محیط زیست با تأکید بر دیدگاه اسلام

ابراهیمی که به موضوع محیط زیست مرتبط است، مورد بررسی قرار گیرد. سرفصلهای این گزارش عبارتند از: «مقدمه»، «علم‌گرایی جدید و پیامدهای منفی آن بر محیط زیست»، «تحول در بازگشت به معنویات برای حفاظت از محیط زیست»، «نقش ادیان و محیط زیست»، «شباهت وارده به دین در ارتباط با تخریب محیط زیست و پاسخ آنها»، «دیدگاه اسلام درباره محیط زیست» و «توصیه‌ها».

در این بررسی که به دو زبان فارسی و انگلیسی تنظیم شده است، نکاتی نظیر «امکان استفاده از ارزشهای مذهبی در گفتگوی تمدن‌ها»، «اهمیت ارزشها و باورهای مذهبی مردم در حفاظت از محیط زیست»، «کوتاهی ادیان مسیحی در یکپارچه دانستن انسان و طبیعت و باور نداشتن شناخت خدا از راه طبیعت»، «پیامدهای ساکت بودن مراکز علوم دینی»، «تذکر ادیان برای حفظ محیط زیست و علل عدم تأثیر آن» نیز مورد بحث قرار گرفته است.

در بخش «توصیه‌ها» ضرورت نیاز به اصولی که هم اخلاقی و هم ماوراء الطبیعی باشند، مورد بررسی قرار گرفته و تأکید شده است که برای دستیابی به نظام اخلاقیات زیست محیطی بین‌المللی، ما باید همدیگر را درک کنیم. این اخلاقیات باید بینشها و دیدگاههای متفاوت ناشی از فرهنگهای متفاوت را در برگیرد. سعی بر آن است که این گزارش به زودی به فرهنگستان ارائه گردد.

گروه علوم اسلامی فرهنگستان علوم با مدیریت آقای دکتر سیدمصطفی محقق‌داماد در حال بررسی موضوع نقش ادیان در حفاظت از محیط زیست است. در ذیل توضیحات ایشان در این ارتباط ملاحظه می‌شود:

«بحران محیط زیست در جهان فعلی یک بحران اخلاقی است. امروزه جمعیتها و گروههای فعال در امر محیط زیست، معمولاً پیشنهادهای فنی ارائه می‌کنند و می‌اندیشند که این پیشنهادهای فنی و مهندسی، بحران حاضر را برطرف خواهد کرد. در حالی که این بحران که سراسر جهان را در بر گرفته و کره زمین را نیز با مشکلات عدیده مواجه کرده، نوعی بحران اخلاقی است. ما معتقدیم با استفاده از آموزه‌های دینی و مذهبی که در ادیان، بخصوص ادیان الهی وجود دارد، می‌توان گامهای مؤثری برای حل این بحران برداشت. در ادیان ابراهیمی به خصوص قرآن مجید، بشر از فساد در ارض همواره بر حذر داشته شده است. از روز آغاز خلقت، در گفتگوی ملائکه با خداوند اشاره شده است که بشر خطر فساد در ارض را دارد و خداوند متعال در قرآن مجید تأکید کرده است که از روز ازل از بشر عهد گرفته شده است که زمین را به همان حالت سالم خود حفظ کند و هیچگاه قدمی برای فساد و تباهی آن بر ندارد.

در این بررسی سعی شده است که آموزه‌های کلیه ادیان



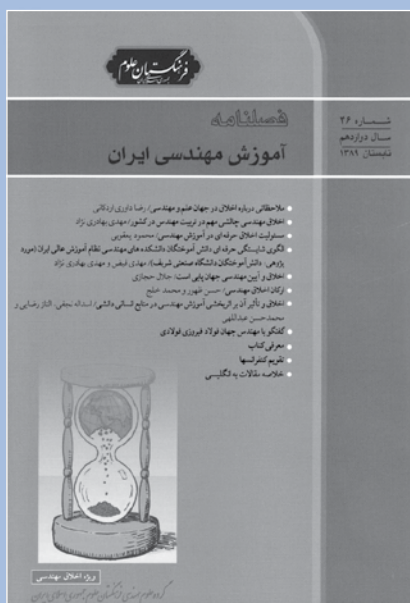
پیام تسلیت

جمهوری اسلامی ایران این ضایعه را به خانواده ایشان و جامعه علمی کشور تسلیت می‌گوید و از درگاه خداوند متعال برای ایشان رحمت واسعه و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت دارد.

روز شنبه مورخ ۱۳۸۹/۳/۲۹ آقای دکتر رضا امیدبیگی استاد گروه علوم باغبانی دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس و همکار مدعو گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم دار فانی را وداع گفت. خبرنامه فرهنگستان علوم

■ انتشار چهل و ششمین شماره

فصلنامه آموزش مهندسی ایران (ویژه اخلاق مهندسی)



چهل و ششمین شماره فصلنامه آموزش مهندسی ایران، ویژه اخلاق مهندسی، توسط گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم منتشر شد. در این شماره هفت مقاله پیرامون مباحث اخلاق مهندسی به چاپ رسیده که عناوین آنها عبارت است از: «ملاحظات اخلاقی درباره اخلاق در جهان علم و مهندسی» (دکتر رضا داوری اردکانی)، «اخلاق مهندسی چالشی مهم» (دکتر مهدی بهادری نژاد)، «مسئولیت اخلاق حرفه‌ای در آموزش مهندسی» (دکتر محمود یعقوبی)، «الگوی شایستگی حرفه‌ای دانش‌آموختگان دانشکده‌های مهندسی نظام آموزش عالی ایران؛ مورد پژوهشی: دانش‌آموختگان دانشگاه صنعتی شریف» (دکتر مهدی فیض و دکتر مهدی بهادری نژاد)، «اخلاق و آیین مهندسی جهان‌پایی است» (دکتر جلال حجازی دهاقانی)، «ارکان اخلاق مهندسی» (دکتر حسن ظهور و دکتر محمد خلیج) و «اخلاق و تأثیر آن بر اثربخشی آموزش مهندسی در منابع انسانی دانشی» (اسد... نجفی، الناز رضایی و محمدحسن عبداللهی). گفتگو با مهندس جهان فولاد فیروزی فولادی، معرفی کتاب، تقویم کنفرانسها و خلاصه انگلیسی مقالات از دیگر مطالب مندرج در این شماره است.

■ برگزاری اولین جلسات در

ساختمان جدید فرهنگستان علوم

این رو تاکنون جلسات هیأت رئیسه فرهنگستان علوم، شورای علمی، شورای عمومی گروه علوم مهندسی، شورای آینده‌نگری علم و فناوری و هیأت مؤسس سازمان ارزشیابی آموزش مهندسی در این ساختمان برگزار شده است. مشروح اخبار این جلسات در شماره آینده خبرنامه ملاحظه می‌شود.

ساختمان جدید فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران واقع در بزرگراه حقانی، بولوار کتابخانه ملی، مجموعه فرهنگستانهای جمهوری اسلامی ایران آماده افتتاح است و به تدریج انتقال گروههای علمی به این ساختمان صورت می‌گیرد و طبق مصوبه شورای علمی بنا شده است که کلیه جلسات شوراها در ساختمان جدید برگزار شود. از



سمینارهای آینده

- «کشاورزی ارگانیک»، (۱۳۸۹/۷/۲۲)
- «تولید انرژی و بهینه‌سازی مصرف آن در کشاورزی»، (۱۳۸۹/۹/۱۱)
- «چشم‌انداز آموزش و پژوهش ریاضی در کشور»، (۱۳۸۹/۷/۱۵)
- «اقتصاد محیط زیست»، (۱۳۸۹/۱۲/۱۲)

برخی غلطهای مشهور و الفاظ و تعابیر معمول که بهتر است از گفتن و نوشتن آنها پرهیز شود:

- قیدهایی مثل:
 - گاه‌ها و ناچاراً
 - لازم به ذکر است (غلط دستوری)
 - بهره‌وری (در معنای بهره‌دهی)
 - محترماً (به جای با احترام)
- ارائه (جز در جایی که مراد از آن نشان دادن است)
- در راستای
- الفاظ جمع که با «ی» و «ن» به کار می‌رود، مثل محققین، خیرین و ... (الفاظ عربی با «ی» و «ن» و الفاظ فارسی با افزودن «ها» و «الف و نون» جمع بسته می‌شوند. مانند محققان، خیران)

شورای همگانی گروه علوم مهندسی

روز چهارشنبه مورخ ۱۳۸۹/۶/۲۴ شورای همگانی گروه علوم مهندسی در سالن شورای فرهنگستان علوم برگزار شد. پس از تلاوت چند آیه از کلام... مجید و خوشامدگویی آقای دکتر محمدرضا عارف عضو پیوسته و رئیس گروه علوم مهندسی، آقای دکتر محمود یعقوبی عضو پیوسته گروه علوم مهندسی در مورد «نیروگاههای گرمایی خورشیدی» سخنرانی کرد. ایشان ضمن ارائه توضیحاتی پیرامون منابع تأمین کننده انرژی و مقایسه میزان تولید و مصرف نفت خام و ذخیره نفت خام کشورهای مختلف جهان، پیرامون روشهای تولید مستقیم و غیرمستقیم برق از انرژی خورشیدی، اثرات افزایش تولید دی اکسید کربن در جهان (اثر گلخانه‌ای)، منابع انرژی تجدید پذیر، قیمت برق تولیدی توسط سیستم خورشیدی، فسیلی و ترکیبی صحبت کرد. ایشان در بخشی از سخنان خود نیروگاههای گرمایی خورشیدی با فناوریهای مختلف را که طی دو دهه گذشته بررسی و مطالعه گسترده‌ای داشته، تشریح کرد و در خصوص فناوریهای نیروگاههای گرمایی از نوع گیرنده‌های سهموی که طی یک دهه گذشته رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است، آماری ارائه و برنامه‌های حال و آینده آن را در جهان توضیح داد. بر اساس مطالعات جهانی با توجه به روند کنونی مسائل زیست محیطی، قیمت سوختهای فسیلی و توسعه

فناوریهای خورشیدی پیش‌بینی می‌شود که از سال ۲۰۱۵ به بعد نیروگاههای گرمایی خورشیدی نسبت به نیروگاههای فسیلی و ترکیبی ضمن دارا بودن ارجحیتهای زیست محیطی، دارای توجیه اقتصادی باشند. در ادامه تعدادی از حاضران نظرات خود را مطرح نمودند و پیشنهاد شد که فرهنگستان در خصوص استفاده از انرژیهای تجدید پذیر و یا مسائل مرتبط با محیط زیست فعالیتهای فرهنگی بیشتری داشته باشد. در ادامه جلسه پس از گزارش آقای دکتر پرویز جبه‌دار مارالانی عضو پیوسته گروه علوم مهندسی پیرامون انتخاب مهندس برجسته برای برگزاری مراسم روز مهندسی سال ۱۳۸۹، بحث و تبادل نظر در خصوص ارائه اولویتها و جهت‌گیریهای کلی گروه پیرامون طرحهای مطالعاتی در دستور کار قرار گرفت تا مبنای اجرای طرحهای پژوهشی باشد. برخی از نظرات ارائه شده عبارت بود از: «لزوم موضع‌گیری مناسب و برنامه‌ریزی برای موضوع تغییرات اقلیمی در کشور»، «ضرورت برنامه‌ریزی برای مطالعات و اظهار نظر در زمینه‌های بنیادی»، «فرهنگسازی برای اجرایی و عملیاتی کردن نظرات گروه» و «آینده‌نگری در علم و فناوری». مقرر شد بحث و تبادل نظر در این مورد در جلسات آینده شاخه‌ها و شوراهای عمومی و همگانی گروه در دستور کار قرار گیرد.





■ نتایج همایش

اثر تغییر اقلیم بر کشاورزی و منابع طبیعی ایران^۱

تغییر اقلیم جهانی در تاریخ تکامل کره زمین سابقه دارد، ولی شدت و سرعت تغییرات آن در دهه‌های اخیر کم سابقه بوده و باعث نگرانی جامعه بین‌المللی شده است. افزایش سرعت این تغییرات در این چند دهه به طور عمده ناشی از فعالیتهای بی‌رویه انسان در بهره‌برداری از منابع طبیعی و بویژه بهره‌گیریهای نامعقول از سوختهای فسیلی در فرآیند توسعه جهانی است. به نظر می‌رسد پیامدهای این نوع توسعه به ناپایداری بسیاری از فرآیندهای طبیعی منجر شده و تنوع زیستی را دچار آسیب و پایداری بوم نظامهای جهان را به مخاطره اندازد. در این راستا آنچه مورد توافق بیشتر جامعه علمی و سیاستگذاران در عرصه‌های بین‌المللی قرار دارد، این است که به رغم دستاوردهای با ارزش و سرنوشت‌سازی که فعالیتهای صنعتی و اقتصادی بشر در طی سده گذشته به ارمغان آورده است، این فعالیتهای ویرانگر توان بوم‌شناختی سیاره زمین بوده و تخریب محیط زیست و بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی را به همراه داشته است. بدون تردید بازخورد این نوع بهره‌برداریهایی بی‌رویه افزایش سرعت تغییر اقلیم، و بازخورد تغییر اقلیم به نوبه خود از بین رفتن شتابان منابع طبیعی است.

تغییرات اقلیمی خواه آن چنان که برخی از دانشمندان معتقدند جنبه دوره‌ای داشته باشد و خواه طبق نظر عده‌ای دیگر روندی دائمی تلقی شود، به هر حال یک واقعیت عینی است. بنابراین برخورد با آن به آگاهی، آمادگی برنامه‌ریزی و توانمندسازی نیاز دارد که همگی از

کشاورزی و منابع طبیعی به شدت به آب و هوا و اقلیم وابسته بوده و از این رو تنوع اقلیمی و تغییرات آن چه در کوتاه مدت (در طول دوره رشد) و چه در درازمدت، نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان تولید و پایداری آن دارد. به همین دلیل خواه تغییر اقلیم در ابعاد مورد بحث رخ دهد و یا ندهد، افزایش پایداری در تولید غذا و به کمینه رساندن مخاطرات احتمالی در برابر نوسانهای آب و هوایی ضروری است. منابع علمی پرشمار و شواهد عینی زیاد در زمینه رویداد تغییر اقلیم جهانی بیانگر این است که با وجود برخی تردیدها و ابهامها (که هم در سطح بین‌المللی و هم ملی وجود دارد)، این رویداد در حال رخ دادن بوده و می‌رود که کلیه فعالیتهای و زیرساختهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورهای جهان و به ویژه آنهایی که در مناطق خشک و نیمه خشک قرار دارند را تحت تأثیر قرار دهد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد این تأثیر سوء دست‌کم از ابعاد اقتصادی برای کشورهایی مانند کشور ما که از منابع غنی سوختهای فسیلی به ویژه نفت بهره‌مند هستند بیشتر باشد، زیرا اجرای کنوانسیون تغییر اقلیم سازمان ملل متحد می‌تواند اقتصاد این کشورها را در اثر دگرگونیهای بازارهای نفت آسیب‌پذیر سازد. تلاش کشورهای صنعتی برای مقصر جلوه دادن کشورهای تولیدکننده نفت در به هم زدن توازن گاز کربنیک جهان نیز خود مقوله‌ای در خور بحث است. به هر حال کنوانسیون تغییر اقلیم سازمان ملل متحد مورد پذیرش جامعه جهانی قرار گرفته است.

۱. دکتر علیرضا کوچکی، عضو پیوسته گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم و دبیر همایش.

تغییر اقلیم جهانی در تاریخ تکامل کره زمین سابقه دارد ولی شدت و سرعت تغییرات آن در دهه‌های اخیر کم سابقه بوده و باعث نگرانی جامعه بین‌المللی شده است.

اجتماعی و فرهنگی کشور نمود دارد و بخش کشاورزی و منابع طبیعی نیز با آن روبرو خواهد شد. به همین دلیل تغییر اقلیم مهم‌ترین چالش فراروی این بخش در آینده است.

■ اثرگذاریهای سوء تغییر اقلیم می‌تواند بر همه اجزای امنیت غذایی کشور از جمله تولید، دسترسی و مصرف و همچنین پایداری نظامهای تأمین و توزیع غذایی تأثیر داشته باشد.

■ کمبود آب در سطح کشور به طور مستقیم یا غیر مستقیم، یکی از مهم‌ترین چالشهای ناشی از تغییر اقلیم خواهد بود و در این رابطه کلیه زیرساخت و شبکه‌های مربوط به بهره‌برداری از آب و توزیع آن در عرصه‌های کشاورزی نیز تحت تأثیر قرار خواهند گرفت.

■ عرصه‌های منابع طبیعی کشور به ویژه جنگلها و مراتع که می‌توانند علاوه بر منافع پرشمار دیگر، به عنوان مخزنی برای جذب کربن عمل نمایند به علت بهره‌برداری بی‌رویه به صورت چندگانه‌ای تحت تأثیر سوء تغییرات اقلیم قرار خواهند گرفت. از سوی دیگر اثرگذاریهای سوء تغییر اقلیم بر مراتع کشور می‌تواند باعث تغییرات گسترده‌ای در نظامهای دامپروری سنتی و بویژه پرورش گوسفند و بز شده و در مقیاس وسیع‌تر تأمین علوفه و خوراک دامداریهای صنعتی و طیور را نیز به مخاطره اندازد.

■ اثرگذاریهای سوء تغییر اقلیم بر محصولات راهبردی (استراتژیک) کشور و به ویژه گندم به علت گستردگی کشت آن بیشتر از دیگر محصولات خواهد بود. به طور کلی به علت کمبود آب، افزایش دمای هوا و کاهش درجه تناسب زمینها برای کشت برخی محصولات فعلی، تولید آنها کاهش خواهد یافت و در موارد زیادی محصولات کم آب و آنهایی که به تغییرات اقلیمی سازگارترند جایگزین

ضرورت‌های لازم برای کاهش اثرگذاریهای زیانبار ناشی از این فرایند است. این رویداد که اثرگذاریهای آن به شکل گرمایش جهانی، تغییر الگو و دوره (رژیم) بارشها، افزایش پیش آمد رخدادهای به اصطلاح حدی اقلیمی و غیر مترقبه مانند سیلها و خشکسالیها، گرد و غبارهای گسترده بروز کرده، بیشترین تأثیر سوء خود را بر فعالیتهای تولید مواد غذایی و کشاورزی و عرصه‌های منابع طبیعی و محیط زیست داشته است. هم اکنون تغییر روند عناصر اصلی اقلیمی هم از ابعاد علمی تایید شده است و هم به صورت عینی کاملاً مشهود است.

اثرگذاریهای سوء کم آبی و خشکسالیها، افزایش رویداد سیلابها، آب شدن یخهای قطبی و بالا آمدن آب دریاها و سرانجام تغییر تدریجی الگوهای کشاورزی و دامپروری در بیشتر مناطق جهان گزارش شده است و در کشور ما نیز به رغم کمبود داده‌های علمی کافی اثرگذاریهای آن به صورت خشک شدن دریاچه‌ها، تالابها و کاهش ذخیره منابع آبی به خوبی نمایان است.

گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران همایشی یک روزه در تاریخ ۸۹/۲/۳۰ با شرکت برخی از اعضای فرهنگستان، استادان دانشگاهها، پژوهشگران، مسئولان اجرائی و سازمانهای مردم نهاد و کشاورزان در رابطه با اثرگذاریهای تغییر اقلیم بر کشاورزی و منابع طبیعی ایران، برگزار کرد و بر این اساس دیدگاهها و راهکارهای خود را به شرح زیر اعلام می‌دارد:

■ به طور کلی تغییر اقلیم و گرمایش زمین رویدادی است که در حال رخ دادن است و کشور ما نیز از جنبه‌های مختلف با اثرگذاریهای سوء آن مواجه بوده و خواهد بود. ■ این اثرگذاریهای سوء در کلیه بخشهای اقتصادی،

کمبود آب در سطح کشور به طور مستقیم یا غیر مستقیم، یکی از مهم‌ترین چالش‌های ناشی از تغییر اقلیم خواهد بود.

✓ تلاش در جهت برنامه‌ریزی برای ایجاد توازن منطقی بین توسعه و توان بوم‌شناختی (اکولوژیکی) کشور.

✓ تلاش در جهت تغییر روند پژوهش‌های کشاورزی از وضع رایج به وضعیتی متناسب با تغییرات اقلیمی و شرایط تحت تنش (برای نمونه اصلاح ارقام زراعی مقاوم به تنش‌های گرمایی و خشکی و نیز سازگار به تنش‌های ناشی از شیوع گسترده آفات و بیماری‌های جدید و تشدید رقابت علف‌های هرز، بهره‌گیری از الگوهای متنوع زیستی (گیاهی) برای کاهش مخاطرات تنش‌های ناشی از تغییر اقلیم، بررسی‌ها برای یافتن محصولات جایگزین و غیره) و در نهایت تغییر نگرش‌ها از کشاورزی رایج به نوع کشاورزی جایگزین و بوم سازگار.

✓ توجه به امکانات بالقوه کشور از جنبه‌های مختلف برای رویارویی مناسب با اثرگذارهای سوء تغییر اقلیم با اتکاء به علوم و فناوری‌های بوم سازگار و نیز بهره‌گیری از تجربه‌ها و دانش بومی در سطح کشور.

✓ توجه به نقشی که کشاورزی دهقانی و خرده‌پا می‌تواند به علت وجود تنوع در ساختار تولید در کاهش اثرگذارهای سوء پدیده‌های حدی اقلیمی و محیطی و همچنین سازگاری به آنها داشته باشد.

✓ تشویق جامعه به تغییر الگوی مصرف مواد غذایی بر پایه نقشی که تولید این مواد در انتشار گازهای گلخانه‌ای دارند (نمونه بارز آن کاهش مصرف گوشت قرمز است).

✓ ارتقای توان پژوهشی کشور در زمینه تغییر اقلیم و اثرات آن بر کشاورزی و منابع طبیعی کشور.

✓ تأسیس شورای عالی تغییر اقلیم به منظور ایجاد هماهنگی‌ها و تصمیم‌گیری‌های لازم در رابطه با مقابله با اثرات سوء تغییر اقلیم بر کشاورزی و منابع طبیعی کشور.

خواهند شد. انتقال عرصه‌های کشت برخی محصولات به مناطق دیگر [برای مثال انتقال محل کشت زعفران به مناطق شمالی استان خراسان (خراسان رضوی و شمالی)] می‌تواند نمونه‌ای از این نوع تغییر باشد (بررسی‌های از طریق مدل‌های اقلیمی چنین روندی را تایید کرده است). انتظار می‌رود به تدریج مناطق کشت برخی درختان میوه نیز به علت نیاز به دماهای پائین در بخشی از مراحل رشد و نمو خود برای فراهم شدن شرایط گلدهی و تشکیل میوه به مناطق مساعدتر منتقل شود.

راهکارهای لازم برای کاهش اثرگذارهای زیانبار ناشی از تغییرات اقلیم به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

✓ ارائه برنامه کار «عمل در سطح ملی» برای کاهش آسیب‌ها و زیانهای ناشی از تغییر اقلیم در تولیدات کشاورزی و منابع طبیعی کشور و نیز سازگاری به تغییر اقلیم در قالب حفاظت بیشتر از منابع طبیعی جنگلی و مراتع به عنوان مخازن ترسیب کربن، ترغیب و تشویق اقتصادی بهره‌برداران و کشاورزان در به کارگیری روش‌های مناسب و آزمون شده کشاورزی در سطح جهانی (برای مثال نظام‌های مناسب خاک‌ورزی) برای جلوگیری از انتشار بیشتر کربن و جذب آن برای تولید محصولات و فرآورده‌های کشاورزی.

✓ ایجاد ساختارهای لازم برای پایش و پیش آگاهی از رخداد اقلیم در آینده به منظور ارائه راهکارهای مناسب برای سازگاری و کاهش اثرگذارهای ویرانگر آن.

✓ توجه به اثرگذارهای سوء تغییر اقلیم در برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور همراه با آگاه ساختن دانش‌آموزان در سطوح مختلف تحصیلی با این رویداد.

✓ اطلاع‌رسانی و آگاهی به جامعه و توانمند سازی آنها در چگونگی برخورد با مخاطرات ناشی از تغییر اقلیم.

«مطالعه اولیه آینده‌نگری صنایع نفت، گاز و پتروشیمی کشور»

دکتر فرامرز افشار طارمی

همکاران: دکتر سهرابی، دکتر کاغذچی، دکتر مرادیان، دکتر فتحی کلجاهی، دکتر گودرزنیا، دکتر سلطانیه و مهندس غفاری

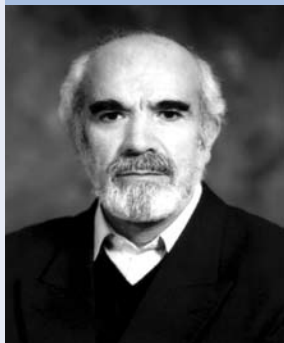
مربوط تأکید شود و از طرفی با انجام پژوهشهای کاربردی و ساخت پایلوت‌های پالایشگاهی به کاهش ضایعات ۳۰ درصدی پالایشگاهها همت گمارد. این ضایعات در کشورهای صنعتی جهان حداکثر به ۵ درصد رسیده است، که مرادف با افزایش ۲۵ درصد در بازده می‌باشد.

مسئله مهم دیگر مطالعه بر روی کاهش مصرف نفت و گاز داخلی است که سهم زیادی از تولید را به خود اختصاص داده است. در این زمینه باید به کمک یک برنامه زمانبندی دقیق و با استفاده از تکنولوژیهای جدید میزان مصرف در خودروها کاهش یافته و نیز تولید گاز CO و سایر آلاینده‌های زیست محیطی حاصل از احتراق سوخت در آنها استاندارد شود. همچنین لازم است که ساختمانهای اداری و مسکونی و کارخانجات از نظر گرمایی عایق‌بندی شوند. مطالعات نشان می‌دهد که عایق‌کاری موجب کاهش حدود ۳۰ درصد از مصرف انرژی در منازل خواهد شد. استفاده از سیستمهای روشنایی اتوماتیک در راهروها و یا سیستمهای کنترل دمای منازل به طور خودکار میزان مصرف انرژی را کاهش می‌دهد.

در سال ۱۳۷۵ قرارداد گاز ایران با ترکیه به امضا رسید. بر اساس این توافق قرار شد در مجموع طی ۲۳ سال ۲۲۸ میلیارد متر مکعب گاز به ترکیه صادر شود. این پروژه در سال ۱۳۸۰ آغاز شد. اما، بزرگترین بازار گاز مورد نظر ایران برای صادرات گاز طبیعی از طریق خط لوله به اتحادیه اروپا و بخصوص اروپای غربی می‌باشد. پیش‌بینی می‌شود که مصرف گاز اروپا در سال ۲۰۲۰ به ۸۳۰ میلیارد متر مکعب برسد که فعلاً سهم ایران در این صادرات تقریباً صفر است. این مطلب را می‌توان به فال نیک گرفت و در فرصتهای بدست آمده بدون تعهد به کشورهای دیگر با برنامه‌ریزی صحیح به فرآوری گاز تولید شده پرداخت و مجتمعهای پتروشیمی برای تولید محصولات مانند متانول، فرمالدئید و مواد دیگر راه‌اندازی کرد تا بتوان محصولات پائین دستی گاز را در بازارهای جهانی عرضه ارائه داد.

تحولات عظیم در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی در سطح جهانی و ضرورت بررسی چگونگی آنها موجب شد تا شاخه مهندسی شیمی گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم مبادرت به آینده‌نگری در صنایع مذکور کند تا بتواند روند توسعه آن را در ایران و جهان را مورد بررسی و مقایسه قرار دهد. در شرایط موجود بخش اعظم درآمدهای ارزی ایران از محل این صنعت تأمین می‌شود که بیشتر مربوط به فروش نفت خام به میزان کمتر محصولات پتروشیمی و اخیراً گاز است. از آنجایی که منابع نفت و گاز تجدیدپذیر نیستند لازم است درآمدهای حاصل از این منابع را به عنوان سرمایه در بخشهای دیگر کشور نظیر توسعه صنعت، کشاورزی و تربیت نیروهای متخصص و غیره به مصرف رساند. متأسفانه بخش زیادی از این درآمدهای سرشار به تجارت و خرید کالاهای مصرفی از خارج از کشور اختصاص داده شده و تنها اندکی از آن صرف توسعه صنعتی کشور می‌شود. از طرف دیگر با ورود بی‌رویه کالاهای خارجی نه تنها منابع از بین می‌روند، بلکه تولیدات صنایع داخلی بدون مشتری باقی می‌ماند و بالطبع نیروهای کار آنها نیز بیکار می‌شوند. اولین نکته مهمی که در این مطالعات بر آن تأکید شده است. افزایش هر چه بیشتر سود دهی این منابع قبل از صدور از کشور است. یعنی حتی المقدور باید با توسعه صنایع نفت، گاز و پتروشیمی صنایع پائین دستی نفت و گاز را در کشور راه اندازی کرده و با استفاده از فناوریهای پیشرفته، کارآفرینی این صنایع را ارتقاء داده تا بتوانیم با فروش این محصولات حقوق کارگران ایرانی را از خریداران تأمین کنیم.

مسئله صادرات نفت و گاز دارای تبعات دوگانه است. یعنی از طرفی گرانی مواد اولیه موجب ایجاد منافع برای کشور می‌شود و از طرفی وابستگی روزافزون کشور به واردات محصولات پالایشی نظیر بنزین و گازوئیل این منافع را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای اجتناب از این پدیده باید در کوتاه‌ترین فرصت بر ساخت پالایشگاهها و صنایع



«جزر و مد قرمز» در گفتگو با دکتر بابا مخیر

■ وضعیت دریاها و آبهای کشور در این زمینه چگونه است؟ ■ خوشبختانه طبق اطلاعات واصله از همکاران در سازمان محیط زیست و موسسه تحقیقات شیلات به نظر می‌رسد که این پدیده پس از حدود یکسال در آبهای کشور کمتر مشاهده می‌شود. نتیجه تحقیقات در حال حاضر نشان می‌دهد که نوعی فیتوپلانکتون به نام کوکلودینیوم پلی-کریکوایدس که احتمالاً از سواحل امریکا و مالزی به سمت سواحل خلیج فارس و دریای عمان منتشر شده است، عامل این پدیده در کشور بوده است. بسیاری از کشورها برای مقابله با آن از پاشیدن خاک رس در دریاها استفاده می‌کنند، که تا حدی مضرتر بوده است.

■ چه بخشهایی در طرح پژوهشی جنابعالی مورد بررسی قرار می‌گیرد؟ ■ در این تحقیق، ضمن جمع‌آوری داده‌ها و بحث در زمینه تاریخچه، سعی شده است که فهرست فیتوپلانکتونهایی که عامل این پدیده هستند و در فهرست کمیته بین‌الدول یونسکو (OIE) وجود دارند، به روز شود و اسامی فیتوپلانکتونهای مضر اقیانوس هند نیز به آنها اضافه گردد و مقایسه‌ای بین آنها و فهرست کلی فیتوپلانکتونهای شناسایی شده در آبهای ساحلی جنوب کشور صورت پذیرد، تشخیص دقیق گونه‌ها و سویه‌های فیتوپلانکتونی خلیج فارس نیز مورد توجه زیاد است. در این گزارش ضمن بررسی موضوع، راهکارهایی نیز ارائه شده است، از جمله قرنطینه کردن آب شناورهای بین‌المللی قبل از تخلیه در سواحل خلیج فارس و دریای عمان و تصفیه فاضلابهای بنادر قبل از ورود به آنها و پایش آبهای ساحلی. گزارش نهایی بازنگری شده به زودی به معاونت پژوهشی علوم محض و کاربردی فرهنگستان علوم ارائه خواهد شد.

آقای دکتر بابا مخیر عضو پیوسته گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم و استاد دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، مدیر طرح پژوهشی «جزر و مد قرمز و چگونگی حل مشکلات آن» است که گزارش نهایی آن به زودی آماده خواهد شد. به منظور آشنایی بیشتر با این پدیده و عواقب آن، خبرنگار فرهنگستان علوم گفتگوی کوتاهی با ایشان انجام داده است، که به شرح ذیل ملاحظه می‌شود:

■ جزر و مد قرمز چیست و چه اثرات منفی بر محیط زیست دارد؟ ■ این پدیده که به نام کشند سرخ نیز نامیده می‌شود و در گذشته با اصطلاح Red Tide نامیده می‌شد، در حال حاضر با واژه HAB نامیده می‌شود که سرواژه عبارت Harmful Algal Bloom است و معادل فارسی آن «شکوفایی زیان‌آور جلبکی» است. به طور کلی با رشد زیاد فیتوپلانکتونها که نوعی جلبک تک‌یاخته هستند، شرایطی فراهم می‌شود که رنگ آب دریاها به صورت قرمز و گاهی سبز، نارنجی یا زرد دیده شود. این پدیده اثرات مخربی بر محیط زیست دارد. از طرفی به دلیل تغییرات اکسیژنی که در دریاها ایجاد می‌کند و بر روی آبشش ماهیها تأثیر می‌گذارد، مشکلات تنفسی و تلفات این آبزیان تشدید می‌شود. جزر و مد قرمز حتی بر روی گونه‌های دیگر آبزیان نظیر مرجانها نیز تأثیر منفی دارد. سموم تولید شده توسط فیتوپلانکتونها علاوه بر مسموم کردن آبزیان، بر روی انسان که از غذاهای دریایی استفاده می‌کند، نیز تأثیر خواهد داشت. از طرفی برخی از این سموم توسط قطرات آب (آئروسول) در هوا منتشر می‌شود و مشکلات تنفسی برای انسانهای ساکن ساحل دریاها ایجاد می‌کند. بنابراین، این سموم هم از طریق تنفس و هم از طریق تغذیه به ویژه نرم‌تنان دوکفه‌ای به حیات بشری لطمه وارد می‌کنند.



گفتگو با دکتر محمدقلی نادعلیان

عضو پیوسته و رئیس گروه علوم دامپزشکی

را مطرح نماید، برگزار و در نهایت راهکارهای مناسبی ارائه شود. همین‌طور با دعوت از متخصصان، استادان و افراد با تجربه در موارد آموزش و پژوهش دامپزشکی، همچنین پیشگیری و کنترل بیماریها به ویژه بیماریهای نوپدید و بعضاً مشترک با انسان بحث و تبادل نظر به عمل آورده تا بتوان هم به بهداشت دام و هم به بهداشت عمومی کمک نمود.

■ در طی سالهای گذشته، گروه علوم دامپزشکی سمینارهای یک روزه متعددی برگزار کرده است. حاصل این سمینارها تاکنون چه بوده است؟

■ همانطور که اشاره شد در طی سالهای گذشته گروه علوم دامپزشکی سمینارهای متعددی برگزار نموده است. در این گونه سمینارها با دعوت از متخصصان و کارشناسان با تجربه، سخنرانیهایی میسوطی انجام و در میزگردها موضوع سمینار به بحث و نقد کشیده می‌شد. در اغلب موارد، این سمینارها از روی نوارها پیاده و پس از ویرایش علمی و ادبی به چاپ رسیده است. آنچه مسلم است منظور از برگزاری این گونه سمینارها، علاوه بر بازگو کردن نوآوری و موارد روز موضوع سمینار که به اطلاع حاضران می‌رسد، هدف مهمتر از آن چاپ و تکثیر مجموعه مقالات ارائه شده در سمینار و ارسال آن به وزارتخانه‌ها و سازمانهای ذیربط و مراکز آموزشی بوده است. از آن جمله مجموعه مقالات سمینارهای «کلونینگ»، «هاری»، «آنفلوآنزای پرندگان»، «روان و رفتار حیوانات» که

■ با تشکر از اینکه وقت خود را در اختیار خبرنگارنامه قرار داده‌اید، مهمترین فعالیتهای گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان در دو سال گذشته چه بوده چیست؟

■ همانطور که می‌دانید گروه علوم دامپزشکی از سه شاخه علوم بالینی، پاتوبیولوژی و شاخه بهداشت مواد غذایی با متشاه دامی با ۱۷ نفر عضو تشکیل شده است، لذا بسته به تخصص هر رشته طرحهای مختلفی ارائه می‌شود که پس از تصویب به مرحله اجراء در می‌آید. به طور معمول سعی بر آن است طرحهایی اجراء شود که حتی‌الامکان بتواند راهکارهای مناسبی جهت رفع مشکلات مملکتی ارائه دهد. طرحهای «چشم‌انداز خطرات آینده؛ سیر بیماریهای عفونی دام، طیور و آبزیان» و «تعیین اهمیت اقتصادی بیماریهای دام، طیور و آبزیان» از آن جمله است. فعالیتهای دیگر گروه در ارتباط با مسائل و موضوعاتی است که توسط سازمانهای اجرائی و یا علمی به گروه ارجاع داده می‌شود و گروه نیز برحسب مورد به بخشهای ذیربط احاله نموده و پاسخ مناسب ارائه می‌شود.

■ جنابعالی چه تدابیر و برنامه‌هایی برای فعالیتهای سال جاری گروه در نظر دارید؟

■ در سال جاری علاوه بر پیگیری و بررسی طرحهای در دست اجراء، طبق روال گذشته سعی می‌شود سمینارهای یکروزه‌ای که بتواند مسائل و مشکلات موجود دامپزشکی



■ به نظر حضرت تعالی اهمیت علوم دامپزشکی در جامعه بر چه اساسی است و چگونه می‌توان به رشد و ارتقای آن کمک کرد؟

■ اهمیت علوم دامپزشکی را می‌توان از چند منظر نگاه کرد. به طور مختصر می‌توان در چند بند آن را خلاصه نمود:

– دامپزشکی به عنوان رشته‌ای از طب با بیماریهای دامی اعم از تشخیص، درمان، کنترل و پیشگیری سر و کار دارد.

– دامپزشکی در اقتصاد هر کشوری با توجه به جمعیت دامی که در کشور ما حدود یکصد میلیون واحد دامی است و یک سرمایه عظیمی به شمار می‌آید، با توجه به بهداشت آنها و در نهایت افزایش تولیدات دامی نقش پررنگی بازی می‌کند.

– دامپزشکی با توجه به جمعیت دامی در امر اشتغال اعم از مستقیم و غیرمستقیم که با تولید گوشت، پشم و مو، فرآورده‌های لبنی که به تبع آن کارخانه‌های زیادی را می‌طلبد نقش مهمی ایفا می‌کند.

– دامپزشکی و بهداشت عمومی از اهمیت زیادی برخوردار است، به طوری که بیش از هشتصد عامل بیماری مشترک بین انسان و دام شناخته شده است که در حلقه اول دامپزشکان هستند که با تشخیص و کنترل و پیشگیری این بیماریها در دامها مانع از سرایت آنها به انسانها شده و لذا در بهداشت عمومی و جامعه نقش بسزایی را دارند. به عبارت دیگر دامپزشکان در مواجهه با بیماریهای مشترک در خط مقدم قرار داشته و تلاش می‌کنند تا جان انسانها به خطر نیفتد.

بعضی از آنها به علت تقاضای زیاد برای بار دوم به چاپ رسیده است. ناگفته نماند که امکانات فرهنگستان علوم و همین طور گروه علوم دامپزشکی محدود است، لذا در حد بضاعت نیز اطلاع‌رسانی مناسب انجام گرفته است.

■ در حال حاضر چه نوع طرحهای پژوهشی (مطالعاتی) در این گروه در حال اجراست؟ چه تدابیری برای هدفمندتر شدن طرحهای مطالعاتی و فعالیتهای نظریه‌پردازی گروه علوم دامپزشکی دارید؟

■ اطلاع دارید که سیاست فرهنگستان علوم بیشتر بر انجام طرحهای کلان است. گروه علوم دامپزشکی نیز سعی می‌کند که طرحهای کلان و مشکل مملکتی را مد نظر قرار داده و به بررسی آنها بپردازد. در حال حاضر طرحهای «آموزش دامپزشکی در ایران و راهکارهایی برای بهبود آن»، «بررسی وضعیت علوم دامپزشکی در کشور برای جهت‌گیری آینده-بخش دوم» و «وضعیت سل در ایران و ارائه راهکارهای مناسب جهت کنترل آن» در دست اجرا است. آنچه مسلم است منظور از اجرای این گونه طرحها اولاً بررسی وضع موجود در کشور است و ثانیاً با دیدن نکات مثبت و منفی این طرحها سعی بر ارائه راهکار عملی و مفید در رفع نکات منفی و رهنمود دادن به سازمانهای ذیربط و سازمانهای اجرایی در جهت رفع هرچه بیشتر کاستیهای مربوطه می‌باشد.

– دامپزشکی در بهداشت مواد غذایی بسیار نقش داشته به طوری که با بازرسی و کنترل مواد غذایی سعی می‌کند که مواد غذایی با منشاء دامی سالم و بهداشتی به دست مصرف‌کننده‌ها برسد تا دچار بیماری نشوند. به طور مثال تمام مواد گوشتی اعم از گوشت قرمز، سفید و همین طور غذای دریایی همگی باید توسط دکتران دامپزشک بازرسی و بعد از تأیید سلامت آنها به مصرف برسند.

– دامپزشکان با در نظر گرفتن رشته تحصیلی و واحدهای درسی که می‌گذرانند در بسیاری از کارهای تحقیقاتی میکروبیولوژی، فیزیولوژی، آناتومی، علوم بالینی و ... چه به طور مستقل و چه با گروههای علمی دیگر مانند پزشکان، داروسازان و متخصصان نزدیک به هم همکاری داشته و بسیار توانمند هستند. به عنوان مثال در فعالیتهای تحقیقاتی شبیه‌سازی (کلونینگ) نقش ارزشمند و کلیدی را دارند. گفتنی است که بسیاری از تحقیقات ابتدا به طور تجربی بر روی حیوانات انجام می‌گیرد، سپس روی انسان پیاده می‌شود که دامپزشکان در اینجا نقش زیادی دارند. البته بازگو کردن اهمیت علوم دامپزشکی در جامعه و نقش دامپزشکان در این مختصر امکان پذیر نیست.

ارتقای کیفی علوم از جمله علوم دامپزشکی در دانشگاهها به چند پارامتر وابسته است و بارها چه در دانشگاهها و چه در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و چه در سازمانهای ذیربط از جمله فرهنگستان علوم به بحث و نقد کشیده شده است و از نظر تئوری، راه‌حلهای زیادی گفته شده است، ولی در عمل به طور کامل به آن پرداخته نشده است. از جمله برای ارتقای کیفی علوم دامپزشکی در دانشگاهها باید در انتخاب اساتید چه از نظر علمی و چه از نظر اخلاقی و چه از نظر علاقمندی به ویژه به کار معلمی دقت زیادی به خرج داد. همین طور مجهز کردن آزمایشگاههای مربوطه، فراهم نمودن امکانات و تجهیزات برای کارهای عملی و به روز رساندن کتابخانه‌ها از نظر کتاب و مجلات علمی که دانشجو و استاد بتوانند از آن بهره ببرند و بالاخره تبادل علمی بین اساتید داخل و خارج و ارتقای مسائل رفاهی استاد و دانشجو که به دور از دغدغه به کار خود اهتمام

ورزند. این مسئله تنها به دامپزشکی مربوط نمی‌شود، بلکه در تمام علوم دیگر صادق است.

■ آیا فرهنگستان علوم تا به حال توانسته نقش خود را در بهبود روندهای پژوهشی و دستیابی به هدف مطروحه در اساسنامه به درستی ایفا کند؟

■ همانطور که می‌دانید فرهنگستان کار اجرایی ندارد و نقش آن بیشتر نظریه‌پردازی و مشورتی است. به نظر می‌رسد فرهنگستان علوم تا جایی که امکان داشته باشد و با تسهیلاتی که در اختیار گروههای علمی گذاشته، در انجام کارهای پژوهشی قدمهای مفیدی برداشته است؛ ولی از نظر دستیابی به اهداف مورد نظر در اساسنامه هنوز راه درازی باقی است.

با این وصف این امید هست که با نیروهای متخصص و استادان دانشگاه موجود و نیروهای جدیدی که به جمع فرهنگستان پیوسته‌اند در جهت رسیدن به اهداف اساسنامه تسریع شود. البته ناگفته نماند موقعی این کار عملی خواهد شد که فرهنگستان حمایت شود و امکانات لازم در اختیار آن قرار گیرد.

■ اگر شما عضو فرهنگستان نبودید، چه انتظاری از فرهنگستان داشتید؟

■ ابتدا باید فرهنگستانها به خوبی در جامعه شناخته شوند تا انتظارات از آنها بازگو شود. این کار میسر نمی‌شود مگر با اطلاع رسانی. درست است که فرهنگستان علوم خبرنامه‌ای منتشر می‌نماید و در بین خواص و ارگانهای موردنظر توزیع می‌شود، پیشنهاد بنده این است که فرهنگستان حداقل هفته‌ای یکبار در رسانه‌های عمومی مانند رادیو، تلویزیون زمانی را به معرفی سازمان خود و کارهایی که انجام می‌دهد اختصاص دهد.

البته این امر بودجه و امکانات می‌خواهد، ولی شدنی هست. چنانچه جامعه فرهنگستان علوم را شناسد انتظاری از آن ندارد. در دراز مدت می‌توان با برنامه‌ریزی این امر را میسر کرد.



زندگینامه دکتر ابوالقاسم گرجی

عضو پیوسته گروه علوم اسلامی

کرد. در آغاز ورود به تهران، به درخواست تعدادی از فضلا، به تدریس رسائل و مکاسب شیخ و کفایه مرحوم آخوند خراسانی و سپس به تدریس خارج، در مدرسه حاج ابوالفتح، مدرسه فیروزآبادی و مدرسه مروی پرداخت. در سال ۱۳۳۲ برای تحصیل به دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران وارد شد. در سال ۱۳۳۵، دوره لیسانس منقول و در سال ۱۳۳۸ دوره دکترای فلسفه و حکمت اسلامی را به پایان رساند و بالاخره در سال ۱۳۴۲ نیز پایان نامه دکتر را با درجه ممتاز گذراند و استادیار شد. در سال ۱۳۳۲ به تدریس در دبیرستانها و در سال ۱۳۳۸ به تدریس ادبیات عرب و بالاخره اصول و فقه در دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشغول شد. در آغاز به عنوان دبیر و از سال ۱۳۴۲ به عنوان هیأت علمی مشغول به تدریس شد. در بین سالهای ۱۳۴۷-۱۳۴۳ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به تدریس ادبیات عرب و از سال ۱۳۴۸ در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران به تدریس حقوق اسلامی مشغول شد. در سال ۱۳۵۲ به مقام استادی ارتقاء یافت. در سال ۱۳۶۱ رئیس دانشگاه تهران شد. از سال ۱۳۶۴ رسماً به دانشکده حقوق و علوم سیاسی منتقل شد و به تدریس دروس عالی رشته خود مشغول بود تا اینکه در سال ۱۳۸۶ به درجه بازنشستگی نائل آمد. در مدت اشتغال در دانشگاه تهران مدیریت گروههای مختلف آموزشی دانشگاه از جمله مدیریت گروه حقوق جزای دانشکده حقوق و علوم سیاسی را بر عهده داشت. از سال ۱۳۷۰ به عضویت پیوسته

دکتر ابوالقاسم گرجی فرزند محمدحسن در دوم فروردین سال ۱۳۰۰ هجری شمسی در تهران متولد شد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و از ۱۳ سالگی به تحصیل علوم حوزوی پرداخت و صرف، نحو، معانی و بیان، منطق، فقه و اصول (در دو مقطع سطح و خارج) و تا حدی نیز فلسفه خواند. برخی از برجسته ترین استادان ایشان مرحوم شیخ علی اکبر برهان، مرحوم میرزا عبدالعلی تهرانی، مرحوم آقا شیخ محمدحسین بروجردی، مرحوم شیخ ابراهیم زاده زیدی، مرحوم آیت الله میرزا محمدعلی شاه آبادی و بیش از همه مرحوم آیت... شیخ محمدرضا تنکابنی بودند. در مدت تحصیل در تهران، بنا به روش حوزه های علمیه که علاوه بر تحصیل، تدریس هم می کنند، به تدریس ادبیات عرب، منطق و کتب مقدماتی فقه و اصول اشتغال داشت و تقریباً همه کتابهای ادبی متداول، کتابهای منطق، فقه و اصول تا حدود شرح لمعه و قوانین را تدریس می کرد. در سال ۱۳۲۳، به تشویق مرحوم آیت... تنکابنی برای ادامه تحصیل عازم نجف شد. در آن حوزه، حداقل ده نفر از علمای بسیار مبرز، که همه صلاحیت کامل برای مرجعیت عمومی داشتند، مشغول تدریس بودند. ایشان نیز در آنجا از محضر اساتید و مراجع بزرگواری همچون آیت... العظمی خوئی، آیت... شیخ محمدعلی کاظمینی، آیت... سیدعبدالهادی، آیت... شیخ محمدکاظم شیرازی و دیگران بهره برد. در سال ۱۳۳۰، با اخذ گواهی و اجازه اجتهاد از برخی از مراجع بزرگ حوزه علمیه نجف، به تهران مراجعت

فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران در آمد و تاکنون در گروه علوم اسلامی فرهنگستان به فعالیت علمی و پژوهشی مشغول است.

■ برخی از افتخارات و جوایز

- دو جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران به پاس پژوهش در کتابهای «تفسیر جوامع الجامع» و «تاریخ پیامبر» (سال ۱۳۶۲)
- تقدیر به مناسبت پژوهش در کتاب «تفسیر جوامع الجامع» به عنوان یکی از بهترین کتابهای چاپ شده در ده ساله انقلاب اسلامی، (سال ۱۳۶۷)
- استاد نمونه آموزش عالی کشور، (سال ۱۳۶۸)
- استاد ممتاز دانشگاه تهران، (سال ۱۳۶۹)
- دریافت تقدیرنامه برای تألیف کتاب «مقالات حقوقی» از دانشگاه تهران، (سال ۱۳۶۹)
- کسب نشان درجه یک دانش از رئیس جمهوری در مراسم بزرگداشت مشترک فرهنگستانهای جمهوری اسلامی ایران به عنوان برگزیده فرهنگستان علوم، (سال ۱۳۸۱)
- کسب رتبه اول تحقیقات بنیادی در شانزدهمین جشنواره بین المللی خوارزمی برای طرح «پژوهش در فقه و مبانی حقوق اسلامی»، (سال ۱۳۸۱)
- چهره ماندگار عرصه فقه و حقوق اسلامی، دومین همایش چهره های ماندگار، (سال ۱۳۸۱)

■ آثار

- تاکنون بیش از بیست و پنج عنوان کتاب و بیش از صد مقاله علمی از ایشان به چاپ رسیده است. برخی از کتابهای تألیف شده، ترجمه و تلخیص ایشان عبارتند از:
- «الذریعه الی اصول الشریعه»، تألیف سید محمد مرتضی علم الهدی، تصحیح و تعلیق و تحقیق دکتر گرجی، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۶ و ۱۳۴۸ (دو جلد).

• «تفسیر جوامع الجامع»، تألیف شیخ طبرسی، تصحیح، تعلیق و اعراب گذاری دکتر گرجی، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷ و ۱۳۵۹

• «عده الاصول»، ترجمه و تلخیص دکتر گرجی، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۵۴

• «تاریخ پیامبر»، تألیف دکتر محمدابراهیم آیتی، تجدید نظر و اضافات و حواشی دکتر گرجی، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۸

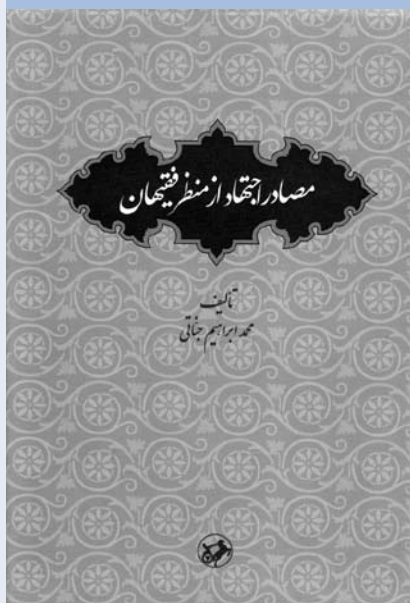
• «مسائل هامه من کتاب الخلاف»، این کتاب قسمت معاملات کتاب خلاف شیخ طوسی است که با استاد شیخ الاسلام کردستانی و استاد فقه شافعی در دانشکده الهیات روی آن کار شده و در سال ۱۳۴۴ توسط انتشارات حیدری به چاپ رسیده است.

• «کتاب الصرف والنحو والقرائه» که به اتفاق برخی استادان در سال ۱۳۴۹ برای تدریس ادبیات در انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسیده است.

• «تحول علم اصول فقه» که در آغاز به فارسی در دفتر ۱۶۱۳ مقالات و بررسیها، و سپس چندین بار به زبان فارسی و عربی مستقلاً به چاپ رسیده است.

از تعداد مقالات متعدد ایشان تعداد ۳۵ مقاله در معرفی علمی شخصیتهای علوم اسلامی است که همه در دانشنامه ایران و اسلام منتشر شده است. بعضی از این مقالات، علاوه بر زبان فارسی به زبان انگلیسی هم به چاپ رسیده است. بقیه مقالات درباره موضوعات مختلف حقوقی، فقهی، اصولی و منطقی است. قسمت عمده این مقالات در مجلات دانشگاهی و برخی هم غیر دانشگاهی به چاپ رسیده است. همچنین دکتر گرجی در کنگره های داخلی و خارجی بسیاری شرکت و در آنها سخنرانی کرده است و نیز در اجرای چندین طرح تحقیقاتی فعالیت داشته است.





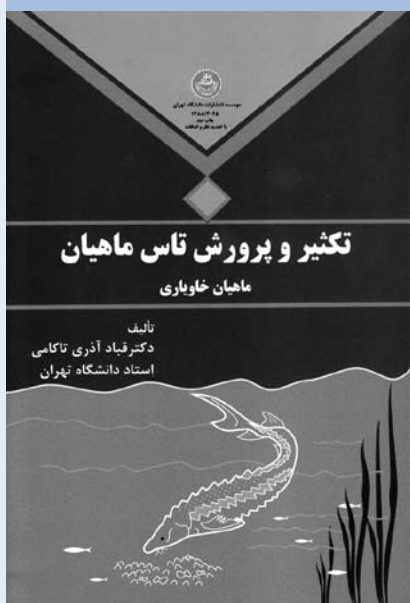
مصادر اجتهاد از منظر فقیهان

آیت ا... محمد ابراهیم جناتی

■ مؤسسه انتشارات دانشگاه امیرکبیر

فقه اجتهادی و استنباطی و احکام شریعت مبتنی بر مصادر و منابع اجتهاد است و بدین جهت این مسائل در حوزه استنباطی مورد توجه است و بدون آنها فقیه یا مجتهد نمی تواند شریعت را با مظاهر نوین زندگی و شرایط متحول زمان هماهنگ کند. در این کتاب مؤلف ۱۷ مصدر و منبع اجتهادی از نگاه پیشوایان مذاهب اسلامی را مورد بررسی قرار می دهد که نخستین آنها کتاب خدا و دومین آن سنت رسول خدا و اوصیای او است و این دو مصدر از نگاه مجتهدان و فقهای شیعه و اهل سنت از مصادر قطعی و جنبه محوری برای استنباط احکام موضوعات است. کتاب حاضر دارای پیشگفتار و فصلهایی با عناوین ذیل است:

«مصادر اجتهاد از منظر فقیهان»، «قرآن»، «سنت»، «اجماع»، «عقل»، «قیاس»، «استحسان»، «مصالح مرسله»، «استصلاح»، «مذهب صحابی»، «سد ذرایع و فتح ذرایع»، «شریعت سلف»، «عرف و عادت»، «سیره علمی اهل مدینه»، «استدلال»، «استصحاب» و «برائت اصلیه». در ادامه نیز مباحثی نظیر «زمان پیدایش بذرهای مذاهب اسلامی»، «علل و عوامل گسترش مذاهب اسلامی»، «اجتهاد در زمان صحابه، تابعین و تابعان تابعین»، «مقصود از تقریب بین مبانی و منابع فقه اجتهادی» و نظایر آن مورد بررسی قرار گرفته است. این کتاب در ۵۶۵ صفحه توسط مؤسسه انتشارات دانشگاه امیرکبیر به چاپ رسیده است.



تکثیر و پرورش تاس ماهیان

(ماهیان خاویاری)

دکتر قباد آذری تاکامی

چاپ دوم، با تجدید نظر و اضافات، ۱۳۸۸

■ مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

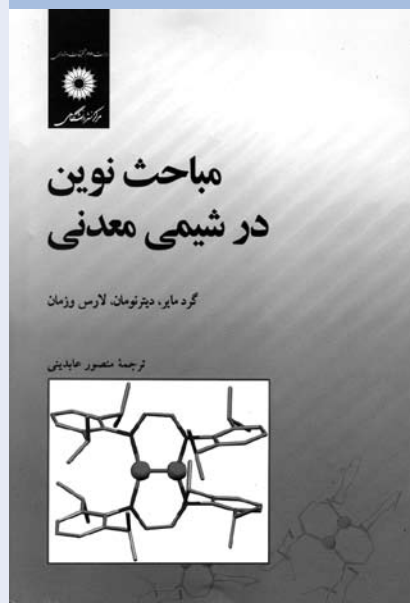
همراه با تجدید نظر کامل این کتاب صورت پذیرفت تا در دسترس همگان قرار گیرد.

کتاب حاضر علاوه بر مقدمه آقای دکتر محمدقلی نادعلیان و پیشگفتار، شامل ۱۳ فصل است که عناوین فصول آن عبارتند از: «شناسایی و رده‌بندی تاس ماهیان»، «زیست‌شناسی تاس ماهیان»، «تکثیر مصنوعی ماهیان خاویاری»، «القای تخم‌ریزی در ماهیان خاویاری - تیمار هورمونی»، «مواد تناسلی تاس ماهیان»، «گشش‌گیری مصنوعی»، «انکوباسیون تخم‌پروری»، «رشد و نمو جنین در تاس ماهیان»، «روشهای پرورش تاس ماهیان»، «آماده‌سازی استخرها برای پرورش ماهیان خاویاری»، «مبانی پرورش ماهیان خاویاری برای تولید گوشت و خاویار»، «روشهای پرورش ماهیان خاویاری» و «مدیریت مزارع پرورش ماهیان خاویاری». در پایان کتاب نیز واژه‌نامه به ترتیب فهرست الفبایی ملاحظه می‌شود.

چاپ دوم این کتاب در ۴۰۱ صفحه و به تعداد ۱۰۰۰ نسخه در سال ۱۳۸۸ توسط مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران به بازار آمده است.

ماهیان خاویاری برای ایران همچون قالی و نفت، ثروت ملی با ارزشی است و شهرت جهانی آن با نام ایران و ایرانی عجین شده است. علاوه بر صدها تن گوشت مرغوبی که از راه صید این ماهیان از دریای خزر به دست می‌آید، سالیانه مقادیر زیادی خاویار مرغوب به نام «مروارید سیاه» به وسیله صیادان و خاویارسازان سختکوش به نقاط مختلف جهان صادر می‌شود. از این راه علاوه بر تأمین زندگی هزاران خانواده ساحل‌نشین دریای خزر، معادل صدها میلیون ریال ارز وارد مملکت می‌شود. تکثیر و پرورش ماهی نیز از جمله مسائلی است که اولین بار در ایران نسبت به آن همت گماشته‌اند.

انتشار کتاب «تکثیر و پرورش تاس ماهیان» به عنوان اولین کتاب آبروی‌پروری در ایران مورد استقبال علاقمندان، دانشجویان و دست‌اندرکاران مسائل شیلاتی قرار گرفت و پس از سالهای نسبتاً طولانی، با درخواست دانشجویان و کارشناسان علوم شیلاتی و صرف وقت بسیار و ایجاد تسهیلات از طرف مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ



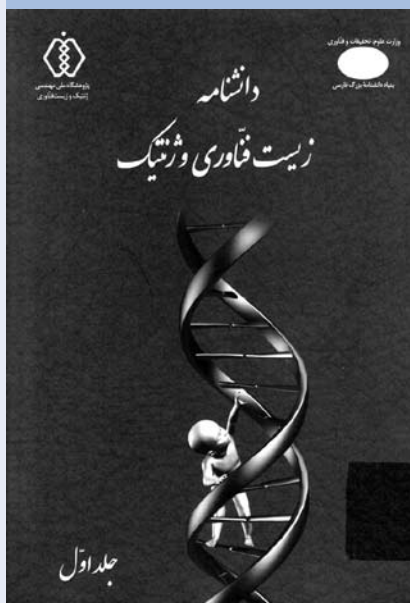
مباحث نوین در شیمی معدنی

تألیف: گرد مایر، دیترونومان، لارس وزمان
ترجمه: دکتر منصور عابدینی

■ مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۹

رویدادهای مهم سنتز آلی از سری کتابهای موفق است که هر ساله توسط وایلی - VCH منتشر می شود. نخستین جلد رویدادهای مهم شیمی معدنی در سال ۲۰۰۲ توسط این انتشارات ارائه شده است. این کتاب که ترجمه فارسی آن با عنوان «مباحث نوین در شیمی معدنی» منتشر گردیده است، شامل ۱۹ کار پژوهشی نوین می باشد که طی ۲۰ سال اخیر شکل گرفته و در حال توسعه است. این کارهای پژوهشی توسط استادانی از ژاپن، کانادا، انگلستان، آمریکا، استرالیا، فرانسه، سوئیس، آلمان و هلند ارائه شده است. ترجمه این کتاب ضمن اینکه به غنای ادبیات علمی در زبان فارسی کمک می کند، برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی و پژوهشگران علاقمند به شیمی از نظر ارائه ایده های تازه سودمند است. کتاب حاضر دارای پیشگفتار مؤلف و مترجم و ۱۹ فصل به انضمام نمایه است که در ۳۸۲ صفحه ارائه شده است. در انتهای کلیه فصلهای کتاب مراجع ملاحظه می شود. عناوین فصلهای این کتاب عبارتند از: «آلیاژهای مذاب زیتل»، «ساختار و پیوند دور و بر مرز زیتل»، «پیش بینی و تعیین ساختار ترکیبات متبلور»، «رساناهای کاتیونی چند ظرفیتی»

«امکان بالقوه اجزای اصلی پنج ضلعی: خوشه های پلی - اکسومتالات از درشت حلقه تا کروی»، «همتاftهای پروکسوی مولیبدن به عنوان کاتالیزگر در اپوکسایش اولفین»، «سنتز آلی فلزیها، آلی آمیدها و آریل اکسیدهای فلزات خاکهای کمیاب»، «ساختارهای آنزیم: جنبه های ساختاری و نقشمند موضع فعال اسید فسفاتاز بنفش و کاتکول اکسیداز»، «آمینوتروپون ایمیناتها به عنوان لیگاند برای همتاftهای گروه ۳ ولانتانیدها - شیمی هماریسی و کاتالیز»، «متالا - کالیکس (۴) آرنها چگونه این ترکیبات در تبدیل هیدروکربنها به متالا - آکیلیدنها، دی نیتروژن به متالا - نیتريدها و کربن مونوکسید به متالا - کربیدها کمک می کنند»، «کاتیونهای فلز کربنیل و مشتقات آنها - طبقه جدیدی از ابرالکترون دوستها»، «همتاftهای بوریلن»، «سیلابورانها»، «کرباآلنها - طبقه جدیدی از ترکیبات شامل اتمهای آلومینیوم و کربن»، «زیرهایلیدهای مولکولی آلومینیوم و گالیم»، «پیشرفت های تازه در شیمی آزیدهای کووالانسی گروه اصلی سیلاکالیکس (1) - فسفینینها - هم ارزهای sp - فسفری ماتریسهای CO»، «استفاده از دی نیتروژن به عنوان یک ماده خام: آیا آینده برای کاربرد آن وجود دارد؟» و «ترکیبات آلی زنون».



دانشنامه زیست فناوری و ژنتیک (دو جلد)

■ بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی

■ پژوهشگاه ملی مهندسی ژنتیک و زیست فناوری

تحولات پر شتاب جهان علم به ویژه در زمینه علوم زیستی، پزشکی و ژنتیک، زندگی امروز آدمی را دگرگون و پیش‌بینی فردای وی را از سهولت خارج ساخته است. رشد و تزاید یافته‌های علمی فرایندی است بی‌وقفه و به کارگیری این یافته‌ها در بهبود و ارتقای کیفی حیات بشری همچنان رو به فزونی است که در این میان دانش زیست فناوری و ژنتیک در ارتقاء و بهبود سطح کیفی تواناییهای مبنایی جامعه و بهینه‌سازی حیات آدمی سهمی فزاینده دارد و این نشانه تأثیر مستقیم علوم زیستی به ویژگیهای جامعه بشری قرن حاضر است.

اثر حاضر در قالب دانشنامه زیست فناوری و ژنتیک، مجموعه‌ای تخصصی و سازمان‌یافته است که به شیوه الفبایی و مبتنی بر نظام ارجاعی تهیه شده است. این اثر به منظور برآورده کردن بخشی از نیاز عمیق و رو به تزاید در توسعه دانش زیست فناوری و ژنتیک در کشور تهیه شده و نتیجه همکاری دو نهاد پژوهشی، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی و پژوهشگاه ملی مهندسی ژنتیک و زیست فناوری است.

در تهیه و تدوین این اثر تلاش بر آن بوده است تا شیوه‌های استاندارد و مورد پذیرش دانشنامه‌نویسی نوین رعایت شود و ضمن تأکید بر درستی و رعایت کامل دستور زبان فارسی، پرهیز از درازگویی و اقدام به ساده نویسی، قواعد کلی دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی مورد استفاده قرار گرفته است. دانشنامه همچنین دارای فهرست موضوعی (نمایه) و واژه‌نامه دوزبانه (انگلیسی - فارسی و فارسی - انگلیسی) است.

آقایان دکتر محمدحسین صنعتی، دکتر بهمن یزدی‌صمدی (دبیر بخش کشاورزی)، دکتر بهروز قابوسی، دکتر سیدعباس شجاع‌الساداتی، دکتر علی فرازمند، دکتر علیرضا زمردی‌پور و دکتر مهدی اربابی قهرودی اعضای شورای علمی این دانشنامه هستند. در تدوین این دانشنامه آقایان دکتر عباس شریفی تهرانی، دکتر عبدالمجید رضایی، دکتر پرویز وجدانی، دکتر مصطفی ولیزاده و دکتر حسن ابراهیم‌زاده نیز همکاری داشته‌اند. دانشنامه مذکور در دو جلد و ۱۵۶۶ صفحه در سال ۱۳۸۷ منتشر شده است.

انجمن آموزش مهندسی ایران

دکتر مهدی بهادری نژاد، دکتر محمود یعقوبی، دکتر حسین معاریان، مهندس محمدمهدی غفاری، دکتر پرویز دوامی، دکتر جلال حجازی دهقانی، دکتر سعید سهراب پور و دکتر مرتضی سهرابی. تقاضای تأسیس انجمن بر اساس ضوابط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری همراه با کلیه مدارک اعضای هیأت مؤسس و فرمهای مربوطه جهت طرح در کمیسیون انجمنهای علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در تاریخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۵ ارسال شد و نهایتاً در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۲/۲ کمیسیون انجمنهای علمی ایران با تأسیس انجمن برای مدت چهار سال موافقت گردید. پس از آن برای برگزاری اولین جلسه مجمع عمومی انجمن، اطلاع رسانی و فراخوان انجام گرفت و در تاریخ ۱۳۸۸/۴/۶ در روزنامه اطلاعات تقاضای عضویت در انجمن به شکل رسمی چاپ شد.

اولین جلسه مجمع عمومی انجمن آموزش مهندسی ایران برای انتخاب اعضای هیأت مدیره و بازرسان در تاریخ ۱۳۸۸/۷/۸ در فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران برگزار شد. اعضای اصلی هیأت مدیره به ترتیب آراء آقایان: دکتر جبه دار مارالانی، دکتر یعقوبی، دکتر نیلی احمدآبادی، دکتر معاریان، دکتر دوامی، دکتر سهراب پور و دکتر شکرچی زاده و اعضای علی البدل هیأت مدیره آقایان: دکتر کمره ای و دکتر مقداری انتخاب گردیدند. همچنین آقایان دکتر موسوی مشهدی و دکتر توحیدی نیز به عنوان بازرسان اصلی و آقای دکتر سلطانیان زاده به عنوان بازرس علی البدل انتخاب شدند. اولین جلسه هیأت مدیره انجمن

تاریخچه: نظام آموزش مهندسی از مهمترین عناصر پیشرفت و توسعه جوامع محسوب می شود و لازم است وظایف آن به صورت مستمر و همگام با پیشرفتهای جهانی در حوزه های مرتبط با علم و فناوری، بازبینی و باز تعریف شود. این امر در کشورهای توسعه یافته سالها است که به صورت بسیار ریشه دار و عمیق و با برگزاری کنفرانسها، کارگاههای آموزشی، انتشار مجلات علمی و کتب تخصصی متعدد پیگیری می شود. فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۷۸ با توجه به برنامه های گروه علوم مهندسی و احساس ضرورت در تغییر و تحول در آموزش مهندسی و کافی نبودن بحث آموزش مهندسی در دانشگاهها، اقدام به انتشار «فصلنامه آموزش مهندسی ایران» نمود. همزمان با انتشار مجله تعدادی از اعضای هیأت علمی دانشگاهها، متقاضی تشکیل انجمن آموزش مهندسی شدند و در همین راستا بحث تشکیل انجمن آموزش مهندسی از طریق شورای گروه علوم مهندسی پیشنهاد شد. جلسه تأسیس انجمن آموزش مهندسی ایران بنا به دعوت گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم و با همفکری تعدادی از انجمنهای مهندسی و معاونان آموزشی چند دانشگاه صنعتی کشور درباره چگونگی تأسیس انجمن آموزش مهندسی ایران و انتخاب اعضای هیأت مؤسس انجمن برای تهیه اساسنامه و پیگیری سایر اقدامات در تاریخ ۱۳۸۶/۸/۲۳ در فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران تشکیل شد و افراد زیر به عنوان مؤسس پیشنهاد و تأیید شدند: آقایان دکتر محمدحسن غفوری فرد، دکتر پرویز جبه دار مارالانی،

آموزش مهندسی ایران در تاریخ ۱۳۸۸/۷/۲۳ در فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران برگزار شد که در آن اعضای هیأت رئیسه به شرح زیر انتخاب شدند: آقایان دکتر پرویز جبه‌دار مارالانی به عنوان رئیس هیأت مدیره، دکتر محمود یعقوبی به عنوان نایب رئیس، دکتر محمد شکرچی‌زاده به عنوان خزانه‌دار و دکتر پرویز دوامی و دکتر محمود نبیلی احمدآبادی به عنوان اعضای هیأت رئیسه. هشت جلسه هیأت مدیره انجمن تا خرداد ماه ۱۳۸۹ به صورت ماهانه تشکیل شده و در آن تصمیمات متعددی اخذ گردیده است که اهم آنها به شرح ذیل می‌باشد: برگزاری دومین کنفرانس

آموزش مهندسی با نگرش به آینده در آبان سال ۱۳۹۰ در دانشگاه صنعتی اصفهان، به مسابقه گذاشتن لوگوی انجمن و دریافت بیش از ۸۰ طرح و در نهایت انتخاب یکی از آنها و اعلام نظرات اعضای انجمن به طراح آن برای انجام تغییرات لازم در طرح، انجام مقدمات لازم برای تأسیس «سازمان ارزشیابی آموزش مهندسی» از جمله تهیه و تصویب اساسنامه سازمان مذکور و پیشنهاد ارائه دوره‌های خاص آموزشی نظیر اخلاق مهندسی، اقتصاد مهندسی، حقوق در مهندسی و مهندسی محیط زیست و برگزاری اولین جلسه توسط انجمن.

■ برخی از مزایای عضویت حقیقی انجمن ■

- اعطای کارت عضویت
- به روز رسانی دانش تخصصی اعضاء از طریق برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت و کارگاه‌های آموزشی توسط انجمن و یا با همکاری انجمن با تخفیف ویژه
- شرکت در همایشها و گردهماییهای علمی برگزار شده توسط انجمن و یا با همکاری انجمن با تخفیف ویژه
- اطلاع‌رسانی به موقع از آخرین اخبار و نوآوریها و کنفرانسهای ملی و بین‌المللی در زمینه آموزش مهندسی و موارد مرتبط از طریق پست الکترونیکی
- شرکت در مجمع، داشتن حق رأی و نامزد شدن برای عضویت در هیأت مدیره (مختص اعضای پیوسته)
- شرکت در میزگردها و سخنرانیهای انجمن
- آبونمان رایگان فصلنامه آموزش مهندسی ایران
- اعطای گواهی عضویت فعال در صورت عضویت در گروههای کاری انجمن

■ برخی از مزایای عضویت حقوقی انجمن ■

- ارائه لوح عضویت
- به روز رسانی دانش تخصصی اعضاء از طریق برگزاری دوره‌های کوتاه مدت و کارگاه‌های آموزشی توسط انجمن و یا با همکاری انجمن با تخفیف ویژه
- شرکت در همایشها و گردهماییهای علمی برگزار شده توسط انجمن و یا با همکاری انجمن با تخفیف ویژه
- برخورداری از اولویت اعطای غرفه در نمایشگاههای همایشها و گردهماییهای علمی برگزار شده توسط انجمن و یا با همکاری انجمن با تخفیف ویژه
- ارائه خدمات مطالعاتی، آموزشی، پژوهشی و مشاوره‌ای مورد تقاضای عضو حقوقی
- اطلاع‌رسانی به موقع از آخرین اخبار و نوآوریها و موارد مرتبط از طریق پست الکترونیکی
- شرکت در مجمع برای اعضای پیوسته عضو حقوقی و داشتن حق رأی و نامزد شدن برای عضویت در هیأت مدیره
- شرکت نمایندگان عضو حقوقی در میزگردها و سخنرانیهای انجمن
- برخورداری از خدمات برگزاری دوره‌ها و کارگاههای آموزشی در محل استقرار عضو حقوقی
- معرفی مجریان خدمات آموزشی و پژوهشی متناسب با نیاز عضو حقوقی از میان اعضای انجمن
- آبونمان رایگان فصلنامه آموزش مهندسی ایران
- قرار دادن لینک سایت اعضای حقوقی در سایت انجمن و استفاده متقابل لوگوهای انجمن و اعضاء